

آسیب‌شناسی نقش شیعیان در پاکستان؛ با تأکید بر حزب مجلس وحدت مسلمین

اسماعیل باقری*

چکیده

تحولات سیاسی پاکستان، همواره متأثر از ساختارها و کارگزاران بوده است، ساختارها سیاسی - اجتماعی داخلی و ساختارهای خارجی از یکسو و کارگزاران و کنشگران سیاسی - مذهبی حوزه پاکستان از سوی دیگر، بر روند تحولات و رخدادهای این کشور اثرگذار بوده است. به این معنی که تحولات پاکستان برآمده از ساختارها و کارگزارانی است که برهم‌دیگر تأثیرات متقابلی دارند و گاه این ساختارها (حکومت و نظام سیاسی پاکستان، جغرافیای سیاسی - جمعیتی، نوع مذهب و ...) به همراه کارگزاران (بازیگران داخلی، ارتش، احزاب قدرتمند و بازیگران خارجی)، می‌توانند بر فرایندهای سیاسی گروه‌های حزبی - سیاسی نظیر شیعیان و مشخصاً حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان تأثیرگذار باشند. در مقاله حاضر، مطرح شده است که گرچه شیعیان همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در مناقشات و رقابت‌های سیاسی دولتمردان و سیاستمداران ایفا نموده‌اند، اما حاکمان پاکستان به تناسب سعی کرده‌اند از نقش شیعیان در استحکام قدرت و حکومت خود استفاده نمایند. به این معنی که از شیعیان در ساختار قدرت پاکستان، به عنوان ابزاری برای ائتلاف و بهره‌برداری دیگر احزاب سیاسی استفاده شده است و کشتار شیعیان به نوعی حاصل بی‌اعتنایی دولت پاکستان به گروه‌های افراطی و تروریستی نظیر (لشکر طیبه و سپاه صحابه و جهنگوی) در این کشور است و به نوعی به نظر می‌رسد یک اراده سیاسی فرامنطقه‌ای برای فرقه‌گرایی و ایجاد تضاد بین شیعه و سنی در پاکستان وجود دارد. در این مقاله ضمن اشاره به جایگاه شیعیان پاکستان به برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موثر بر ضدیت با شیعیان نیز اشاره شده است.

کلید واژه: پاکستان، حزب مجلس وحدت مسلمین، شیعیان، فرقه‌گرایی.

مقدمه

شاید بتوان گفت پس از ایران، پاکستان بیشترین جمعیت شیعه را در خود جای داده است، اما این جماعت برخلاف میزان جمعیت خود، آنچنان که باید از جایگاه سیاسی قوی در پاکستان برخوردار نیست و همواره در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داشته است. این در حالیست که نقش شیعیان در شکل‌گیری کشور پاکستان در ۱۹۴۷ به رهبری محمدعلی جناح مشهور به قائد اعظم، بسیار پررنگ بوده و در جریان مبارزات استقلال طلبانه، بیشتر شیعیان، از نظریه تأسیس یک کشور مستقل مسلمان هواداری نموده و به تقویت دولت پاکستان همت گماشتند.

شاید اقدام ضیاءالحق برای اسلامی کردن قوانین، که بر اساس فقه اهل سنت بود، بیش از اندازه شیعیان را به اجرای قوانین فقه جعفری در حوزه حقوق خصوصی و احوال شخصیه ملزم ساخت. مخالفت مفتی جعفر حسین، به ویژه درباره زکات در دوره ضیاءالحق، از مهمترین اقدامات شیعیان است که با استقبال گسترده شیعیان از جمله زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ مواجه شد. هر چند تحرک سیاسی شیعیان این کشور در اواسط دهه ۱۹۷۰م، ابتدا به صورت اقدامات اعتراضی آغاز شد و نهضت اجرای فقه جعفریه پاکستان به عنوان اولین تشکل فراگیر شیعیان به رهبری مفتی جعفر حسین شکل گرفت و به دنبال آن تشکل‌های دیگری به گونه‌ای فعال جهت تأمین هویت سیاسی متمایز برای شیعیان و اتفاق حقوق آنها در عرصه پاکستان به فعالیت پرداختند؛ اما این تشکل‌ها آنطور که باید منسجم عمل نکردند و همین امر به نوعی موجب بروز خشونت‌های گسترده‌ای علیه شیعیان شد و جامعه شیعیان پاکستان را در برابر شرایط پیچیده‌ای قرار داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، غربی‌ها (عمدتاً آمریکا و انگلیس) و حتی برخی کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی همواره سعی کرده‌اند با دخالت در امور پاکستان و با ایجاد تفرقه و اختلاف بین شیعه و سنی، نگذارند کشور اسلامی مقتدری در پاکستان ایجاد شود. به همین جهت با حمایت از فرقه‌گرایی، احزاب و گروه‌های مذهبی تندرو، سعی کرده‌اند از نفوذ ج.ا.ایران در پاکستان بکاهند و تا آنجایی

که ممکن است شیعیان این کشور را تضعیف کرده و به حاشیه برانند. جبهه غربی-عربی از تشکیل یک جریان سیاسی - مذهبی شیعی تأثیرگذار در پاکستان، به شدت نگرانند و به همین جهت شیعیان پاکستان به حاشیه رانده می‌شوند و در اغلب موارد نخبگان علمی، مذهبی، فرهنگی و حتی سرمایه‌داران بزرگ شیعی را ترور می‌کنند. به هر حال کشتار شیعیان پاکستان طی سالهای گذشته توسط گروه‌های افراطی وابسته به طالبان پاکستان و سپاه صحابه، لشکر طیبه و ...، و عدم انسجام لازم در میان شیعیان پاکستان، زمینه‌ای شد تا یک حزب شیعی منسجم تشکیل شود که در این میان حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان به رهبری علامه راجا ناصر بر اساس ضرورت ایجاد شد. در این مقاله به بررسی جایگاه و وزن سیاسی- اجتماعی حزب وحدت مسلمین، مواضع، رویکردها و نقش این حزب در تحولات آینده پاکستان، پرداخته می‌شود.

۱- چارچوب نظری و تعریف مفاهیم

برای تبیین موضوعات مختلف سیاسی در بسترهای سیاسی و اجتماعی، چارچوب‌های نظری راه‌گشا هستند. در این میان برای آسیب‌شناسی نقش شیعیان در تحولات پاکستان، ما سعی کرده‌ایم از نظریه ساختار- کارگزار بهره ببریم. سیر تحولات پاکستان، این واقعیت را به خوبی آشکار می‌سازد که تحولات در بستر ساختار و به تاسی از اوضاع و شرایط سیاسی - اجتماعی شکل می‌گیرد و نمی‌توان بدون توجه به ساختارها و فرایندها، تحولات سیاسی یک کشور را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. در واقع کارگزاران تحت تأثیر موقعیت و شرایط سیاسی متفاوت و بر اساس منافع و صلاحیت‌های خود، دست به اقداماتی می‌زنند. بنابراین هر گاه تصویری اجمالی از علیت اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی ارائه می‌دهیم، صریحاً یا تلویحاً به اندیشه‌هایی درباره ساختار و کارگزار متوسل می‌شویم. رابطه میان ساختار و کارگزار در حوزه جامعه‌شناسی از زمان‌های بسیار دور یکی از مسائل اساسی حاکم بر مباحث روش‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی بوده است. برای فهم هرچه بهتر رابطه ساختار با کارگزار مفاهیم مرتبط را تعریف می‌کنیم که عبارتند از: حزب،

ساختار، کارگزار، ساختارگرایی، نظریه ساخت‌یابی، واقع‌گرایی انتقادی.

۱-۱- حزب و نقش آن در جامعه

معنی و کارکرد حزب: «هانتینگتون» زندگی سیاسی در جوامع غربی را در وجود احزاب خلاصه می‌کند و بیان می‌دارد: «هر کشوری که بخواهد گام در راه توسعه و پیشرفت بگذارد، ناگزیر از پذیرش احزاب خواهد بود.^۱» اما دیوید اپتر پا را از این هم فراتر گذاشته، اظهار می‌دارد: «احزاب سیاسی در جریان نوسازی همه جوامع معاصر، چنان نیروی مهمی را تشکیل می‌دهند که الگوی ویژه نوسازی هر کشور را کاملاً احزاب آن تعیین می‌کنند.^۲»

در مجموع حزب را می‌توان گروهی از افراد جامعه دانست که با اعتقاد و ایمان به برخی اصول و با داشتن هدف یا اهداف مشترک، در سازمانی با عنوان حزب، متشکل شده و از طریق شعبه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر ارتباطی پیوسته و دوسویه داشته و می‌کوشند تا برای رسیدن به هدف یا اهدافی و اجرای اصول موردنظر، به قدرت دست یابند. بر این مبنا، برخی از شروط احزاب عبارتست از: وجود تشکیلات پایدار مرکزی و ایدئولوژی مشخص، رهبری تحول‌ساز، وجود شعبه‌های مرتبط با مرکز، پشتیبانی مردم، کوشش جهت دست یافتن به قدرت سیاسی و زمینه‌سازی برای تحول سیاسی و اجتماعی.^۳

به عبارت دیگر حزب، سازمانی سیاسی است که به دنبال تاثیرگذاری بر روی حکومت است، این تاثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن کسانی با دیدگاه‌هایی همسو با حزب برای کسب مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد.^۴ احزاب در

۱. نقیب‌زاده، احمد، "عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۶۸، ص ۸.

۲. Apter, David. Politics of Modernization. University of Chicago press. ۱۹۶۵ P ۱۷۵

۳. گی روشه، "تغییرات اجتماعی"، منصور و ثوقی، نشر نی، تهران، چاپ بیست و دوم ۱۳۹۰، ص ۶۷

۴. جهانگیر محمودی نژادبان، رژیم احزاب سیاسی یا دموکراسی مستقیم در نظام ولایت فقیه، قم، انتشارات گلستانه، تابستان ۶۹ ص ۳۴.

فعالیت‌هایی نظیر کارزارهای انتخاباتی، پژوهش‌های آموزشی و یا اعتراض‌های سیاسی مشارکت می‌جویند. احزاب معمولاً به دنبال به کار بستن ایدئولوژی خاص یا دیدگاهی مشخص هستند که با اهدافی معین در ساختار و برنامه‌هایشان ذکر شده است و باعث پدیدآیی افرادی با اهداف یکسان حول محور حزب می‌شود.

۱-۱-۱- کارکردهای آشکار حزب

«رابرت کینگ مرتن» با مطالعه احزاب در جامعه امریکا در مورد کارکرد آن با الهام از عبارت‌پردازیهای فرویدیسم، عملکرد احزاب را به دو نوع آشکار و پنهان تقسیم می‌کند. عملکرد آشکار همان است که از حزب انتظار می‌رود و تحت عنوان تحلیل کلاسیک از عملکرد احزاب می‌گنجد، ولی عملکرد پنهان نه از حزب انتظار می‌رود و نه کسی عمداً آن را در برنامه حزب گنجانده است، بلکه حزب در جریان عمل و به مقتضای محیط، ناخواسته به انجام دادن آن کشانده می‌شود.^۱ به طور کلی منظور از عملکردهای آشکار حزب عبارتست از:

۱- شکل دادن به افکار عمومی؛ احزاب با طرح یک برنامه و خط مشی، موجد فکری جمعی شده که زیر پوشش آن، افراد پراکنده به نوعی وحدت سیاسی می‌رسند. بدون شکل دادن به افکار عمومی که کار عمده حزب و گروه‌های سیاسی است، نمی‌توان رابطه معقولی بین مردم و حکومت برقرار کرد. در واقع بدون وجود احزاب، افراد از حق حاکمیت بازمی‌مانند.

۲- معرفی نامزدها در انتخابات؛ معرفی نامزدهای انتخاباتی از دیگر کارکردهای احزاب سیاسی است. این عمل با کارکرد نخستین، ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع احزاب با مداخله در امر انتخابات و با معرفی کاندیداهای لازم، روند تعیین نامزدها را بسامان کرده و به انتخابات نظم می‌دهند.

۳- سازمان دادن به انتخاب‌شوندگان و اعمال نفوذ بر آنها؛ تمامی احزاب پس از انتخابات به منظور پیشبرد اهداف خود، در مجلس به همان پیکاری می‌پردازند که پیشتر

۱. تقیبزاده، احمد، پیشین، ص ۱۱.

در سطح جامعه بدان دست زده بودند. از این رو لازم است که با سازماندهی نمایندگان خود بین آنها همبستگی و هماهنگی برقرار کنند.^۱

در زمینه عملکردهای پنهان حزب می توان موارد زیر را برشمرد:

- برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی؛
- جذب تازه واردان به سیستم؛
- مسالمت آمیز کردن رقابت های قدرت جویانه، یا مدیریت منازعه که باعث جلوگیری از رقابت های بانندی و در نتیجه کاهش بروز تضادها و فساد سیاسی می گردد؛

۲-۱-۱- ساختار و تقسیم بندی احزاب

پرداختن به فعالیت های حزبی، مستلزم داشتن ساختار، تشکیلات و سازمان است. سازمانی که به قول پالومبارا، عمرش از عمر اعضا و بنیان گذاران آن بیشتر باشد. ساختار تشکیلاتی یک حزب عبارتند از؛ کنگره، کمیته، قسمت یا حوزه و
معمولا به منظور شناخت بهتر، احزاب را به انواع دوگانه تقسیم می نمایند. دانشمند فرانسوی علم سیاست، موریس دوررز، تمایزی میان احزاب کادری و احزابی با اعضای بسیار قائل می شود. احزاب کادری نخبگان سیاسی هستند که دغدغه پیروزی در انتخابات و تاثیر محدودی بر فضای خارج از خود را دارند و تنها در کارزارهای انتخاباتی مشغول به کار می شوند. اما احزاب بزرگ در صدد جذب و به کارگیری اعضای جدید می باشند که به گونه ای منبع حزب برای تامین منابع مالی در نظر گرفته می شوند و از آنان انتظار می رود در جهت گسترش ایدئولوژی حزب همان طور که در انتخابات فعالیت می کنند، کوشا باشند. احزاب سوسیالیست نمونه ای از این نوع احزاب هستند در حالیکه حزب محافظه کار بریتانیا و اتحادیه مسیحیان دموکرات آلمان نمونه هایی از احزاب کادری می باشند. در ایالات متحده که هر دوی احزاب اصلی احزاب کادری تلقی می شوند، رقابت در دوره انتخابات قبل از این که به عرصه عمومی

برسد به گونه ای درون حزبی است و افراد حزب با رقابت در حزب خویش می‌کوشند تا به عنوان نامزد حزب برای انتخابات معرفی شوند.^۱ معروف‌ترین این دسته‌بندی‌ها عبارتند از: احزاب برنامه‌دار و احزاب مصلحت‌گرا. در واقع تقسیم حزب به برنامه‌دار و مصلحت‌گرا از ابتکارات زیگموند نیومن است. از نظر او حزب مصلحت‌گرا به حزبی اطلاق می‌شود که برنامه و خط مشی خود را به موازات دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه تغییر داده و با شرایط زمان سازوار می‌سازد. در مقابل، حزب برنامه‌دار، حزبی است که دارای برنامه‌ای جامع و درازمدت بوده و راه‌حلی اساسی برای مشکلات جامعه طرح می‌کند.^۲ از دیگر تقسیم‌بندی‌های حزب می‌توان به مواردی چون مستقیم و غیرمستقیم، متمرکز و غیرمتمرکز، احزاب کمی و کیفی، دموکرات و توتالیتر، حزب بسیج‌گرا، حزب دموکرات، محافظه‌کار و لیبرال، احزاب کادری و احزابی با اعضای بسیار اشاره کرد.

۲-۱- تعریف مفهومی ساختار - کارگزار

ساختار: به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد و ساختارگرایی عبارتست از اندیشه‌ای که آثار و پیامد سیاسی و اجتماعی را صرفاً با توسل به عوامل ساختاری تبیین می‌کند. ساختارگرایی دیدگاهی را ارائه می‌دهد که می‌توان آن را دیدگاه تک علتی در مورد روابط ساختار و کارگزار نامید. ساختارگرایی پیوندی نزدیک با جبرگرایی و غایت‌گرایی دارد.^۳

کارگزار: کارگزار در لغت، شخص عمل‌کننده است که قدرت به کار می‌بندد تا چیزی را انجام دهد یا توانایی و قابلیت کنشگر برای کنش آگاهانه است که از این طریق

۱. Foresti and Wild (۲۰۱۰). Support to political parties: a missing piece of the governance puzzle. London: Overseas Development Institute , pp. ۶۵-۶۷

۲. دوورژه، موریس، احزاب سیاسی، رضا علمی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۶۲ - ۵۸.

۳. خسرو پناه، عبدالحسین، "فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)"، ناشر تعلیم و تربیت اسلامی، قم، چاپ اول ۱۳۹۲، ص ۲۵۱.

برای رسیدن به اهداف یا نیت خود تلاش می‌کند. کارگزار با یک رشته مفاهیم پیوند دارد، «بازاندیشی پایدار» (توانایی کنشگر بازاندیشی و تامل درباره پیامدهای کنش پیشین)، «عقلانیت» (قابلیت کنشگر به گزینش شیوه‌هایی از رفتار که با حداکثر احتمال شماری از خواست‌ها را عمل می‌کند) و «انگیزش» (میل و انگیزه‌ای که به واسطه آن بازیگر تلاش می‌کند به مقصود یا هدفی معین برسد) سه مفهوم اصلی مرتبط با «کارگزار» است. اندیشه‌های قصدگرایانه و اراده‌گرایانه تلاش می‌کند که رویدادها و تحولات سیاسی- اجتماعی را با توسل به مقاصد یا نیاتی که کنشگران دارند، تبیین کنند.^۱

اساساً در دیدگاه ساختارگرا، برتری با ساختار است تا کارگزار؛ چراکه در پی آن است تا حوادث، فرآیندها و نتایج اجتماعی و سیاسی قابل مشاهده را بر حسب عملکرد ساختارهای اجتماعی و سیاسی پنهان که بازیگران صرفاً حاملان آن هستند، تبیین کند. در ساختارگرایی تبیین‌ها بر حسب انگیزه‌ها، اراده‌ها، راهبردها و کنش‌های کارگزاران بنا نشده‌اند، زیرا اینها به عنوان محصول صرف ساختارهایی که در نهایت تعیین کننده‌اند، نگریده شده‌اند. به همین جهت اراده‌گرایی در مقابل ساختارگرایی قرار دارد. اگر ساختارگرایی تبیین از خارج باشد، اراده‌گرایی تبیینی خودی یا از داخل است که بر نهادهای اجتماعی، کارگزاری انسانی و بافت غنی تعامل اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد. اراده‌گرایی ساختارها را به مثابه محصول کنش ارادی تصور می‌کند. این دیدگاه معتقد است به منظور فهم نتایج سیاسی باید صرفاً انگیزه و اراده کنشگران را ملاحظه کنیم.

نظریه ساخت یابی: گیدنز با ارائه مفهوم ساخت یابی ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌سازد. یعنی تعامل میان ساختار و کارگزار یک اصل اساسی است و ساختار صرفاً محدود کننده نیست، بلکه کارگزار نیز می‌تواند در ساختار تاثیر بگذارد.^۲ بنابراین اعمال و فرآیندهای اجتماعی به وسیله مهارت‌های سازنده و فعالانه ... اعضا

۱. خسرو پناه، عبدالحسین، "فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)"، ص ۲۵۲

۲. بینش، محمودوحید، «افغانستان معاصر و چالش سامان سیاسی»، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی افغانستان، محل نش کابل، ۱۳۸۸، ص ۲۱

(جامعه) آن‌گونه که کنشگران به لحاظ تاریخی قرار گرفته‌اند و نه تحت شرایط انتخابی خودشان، ایجاد شده‌اند. این نکته گیدنز را به سوی به رسمیت شناختن دوگانگی ساختار سوق می‌دهد که مرادش این است که ساختارهای اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند، ولی در عین حال ابزار و وسیله این ساخت نیز هستند.^۱

واقع‌گرایی انتقادی: واقع‌گرایان انتقادی از نقطه آغازی ساختارگرایانه‌تر به دوگانه‌انگاری ساختار- کارگزار نزدیک می‌شوند یعنی وجود لایه‌های ساختار را مطرح می‌کنند که تعیین‌کننده کارگزار است و سلسله راهبردهای بالقوه‌ای که ممکن است به وسیله کارگزاران (چه فردی و چه گروهی) در تلاش جهت تحقق نیاتشان به کار رود، مشخص می‌سازند. بدین معنا واقع‌گرایی انتقادی تبیینی از خارج یا ساختارمحور از رابطه میان ساختار و کارگزار می‌باشد. در واقع واقع‌گرایان انتقادی ترجیح می‌دهند ساختار و کارگزار را به مثابه دو فلز درون یک آلیاژ بنگرند که سکه از آن تهیه شده است. از این رو ساختار و کارگزار اگر چه به لحاظ نظری تفکیک‌پذیرند در عمل کاملاً درهم تنیده هستند.^۲

مواضع اتخاذ شده در بحث ساختار - کارگزار چنین است:

کارگزار محور	ساختار محور	
اراده‌گرایی	ساختارگرایی	دیدگاه تک‌علتی
ساخت‌یابی	رنالیسم انتقادی	دیدگاه دیالکتیکی

به اعتقاد ما در جامعه پاکستان ساختار سیاسی، مذهبی و اجتماعی از طریق اراده و نوع سیاست‌ها و منافع کارگزاران، بر دیگر گروه‌های سیاسی، حزبی و مذهبی تأثیرگذار است. در واقع ساختار حاکمیتی پاکستان و دیگر ساختارهای فرامنطقه‌ای موثر در این کشور، بر تحولات سیاسی و نحوه فرایند تحولات، تأثیر زیادی دارد. به عنوان مثال کشتار شیعیان حاصل بی‌توجهی دولت پاکستان به گروه‌های افراطی و تروریستی در

۱. گیدنز، آنتونی؛ «جامعه‌شناسی»، منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۷، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷، ص ۸۴۶.

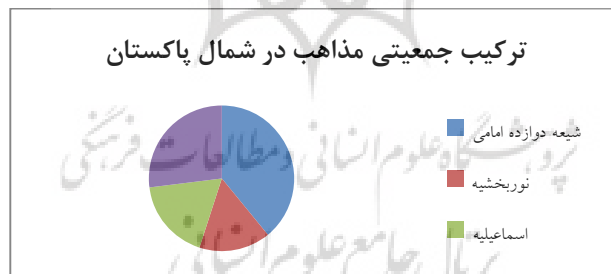
۲. دیوید مارش و جری استوکر، «روش و نظریه در علوم سیاسی»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۴.

این کشور است و به نوعی به نظر می‌رسد یک اراده سیاسی فرامنطقه‌ای برای فرقه‌گرایی و ایجاد تضاد بین شیعه و سنی در پاکستان وجود دارد.

۲- توزیع جغرافیایی جمعیت شیعه

پاکستان از لحاظ اداری به هشت ناحیه تقسیم می‌شود: ۱. ایالت بلوچستان؛ ۲. ایالت سند؛ ۳. ایالت پنجاب؛ ۴. ایالت سرحد؛ ۵. دارالحکومت فدرال اسلام‌آباد؛ ۶. مناطق شمالی (فانا)؛ ۷. مناطق قبائلی (فاتا)؛ ۸. کشمیر^۱.

در تمام این مناطق هشت‌گانه شیعیان در کنار پیروان سایر مذاهب حضور انسانی دارند. در واقع نقشه جغرافیای انسانی شیعیان به گونه‌ای است که نمی‌توان برخی مناطق خاص را محل سکونت آنان معرفی کرد و از مناطق دیگر چشم‌پوشی نمود. هر چند در برخی مناطق مانند مناطق شمالی، شیعیان بسیاری متمرکز بوده و اکثریت را تشکیل می‌دهند، اما در سایر شهرها و روستاها به جز موارد محدودی مانند پاراچنار و تیرا (مناطق قبائل)، بعضی مناطق هنگو و کوهات (سرحد)، کوت دیچی (سند)، گنداوه (بلوچستان) ترکیب جمعیت بسیار پیچیده و متنوع است. در مجموع مناطق شمالی متمرکزترین مناطق شیعه‌نشین در کل پاکستان به شمار می‌آید.^۲



پراکندگی وسیع، مهم‌ترین نقطه ضعف شیعیان محسوب می‌شود. از بندر کراچی در سواحل جنوبی تا دورافتاده‌ترین روستاهای واقع در دره‌های مناطق شمالی (گلگیت و

۱. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، «پاکستان»، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹، ص ۱۷۶
 ۲. محمد اکرام عارفی، «شیعیان پاکستان»، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۵، صص ۹۳-۹۴.

بلتستان) گاهی اکثریت یا نیمی از جمعیت برخی شهرها و مناطق را شیعیان تشکیل می‌دهند. پراکندگی شیعیان موجب می‌شود که خود یا دولت مرکزی قادر به اعمال سیاست‌های منسجم نباشند. این پراکنش از یکپارچگی و تأثیرگذاری آنها در تحولات کشور می‌کاهد.

مناطق شمالی و کشمیر آزاد حوزه نفوذ تاریخی شیعیان امامیه و اسماعیلیه پاکستان هستند. ۹۰ درصد جمعیت کارگیل در جامو و کشمیر و حدود دو میلیون نفر در گلگیت و بلتستان شیعه‌اند. قریب به اتفاق ساکنان بلتستان و بیش از نیمی از جمعیت گلگیت شیعه‌مذهب‌اند.^۱ در ایالت پنجاب، جمعیت زیادی از شیعیان به سر می‌برند. در لاهور حدود یک میلیون نفر و در مولتان نیز ۳۰ درصد جمعیت شهر شیعه‌اند. کراچی نیز جمعیت زیادی شیعه (حدود ۲۵ درصد جمعیت شهر) را در خود جای داده است که بوره‌ها، خوجه‌ها و امامیه را شامل می‌شوند.^۲ کوئته نیز از مراکز حضور شیعیانی از اقوام مختلف هزاره، پنجابی، قندهاری، گلگیتی و بلتی است. پاراچنار، کوهات (قبیله بنگش)، هنگو، دیره اسماعیل خان و اروکزی از مراکز عمده تجمع تشیع در ایالت سرحد و مناطق قبایلی به شمار می‌روند. در میان قبایل بلوچ، تنها قبیله دمبکی خود را شیعه می‌خواند. در ایالت بلوچستان در مناطق لورالایی، قلات و کچهی تعدادی محدود شیعه سکونت دارند.^۳

۳- آسیب‌شناسی جایگاه شیعیان در پاکستان

شیعیان همواره از همان آغاز تاسیس و استقلال پاکستان از حقوق حقه خود محروم ماندند. به علاوه شیعیان همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در مناقشات و رقابت‌های سیاسی دولتمردان و سیاستمداران ایفا نمودند. حاکمان پاکستان به تناسب سعی می‌کردند از نقش شیعیان در استحکام قدرت و حکومت خود استفاده نمایند. با این همه جامعه

۱. محمد اکرم عارفی، «شیعیان پاکستان»، نشر شیعه‌شناسی، قم، چاپ اول ۱۳۸۵، صص ۱۲۲ الی ۱۲۵. همچنین رجوع شود به دانشنامه آزاد ویکیپدیا (گلگت-بلتستان).

۲. محمد اکرم عارفی، «شیعیان پاکستان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۱، ش ۳ و ۴، ص ۲۰۴.

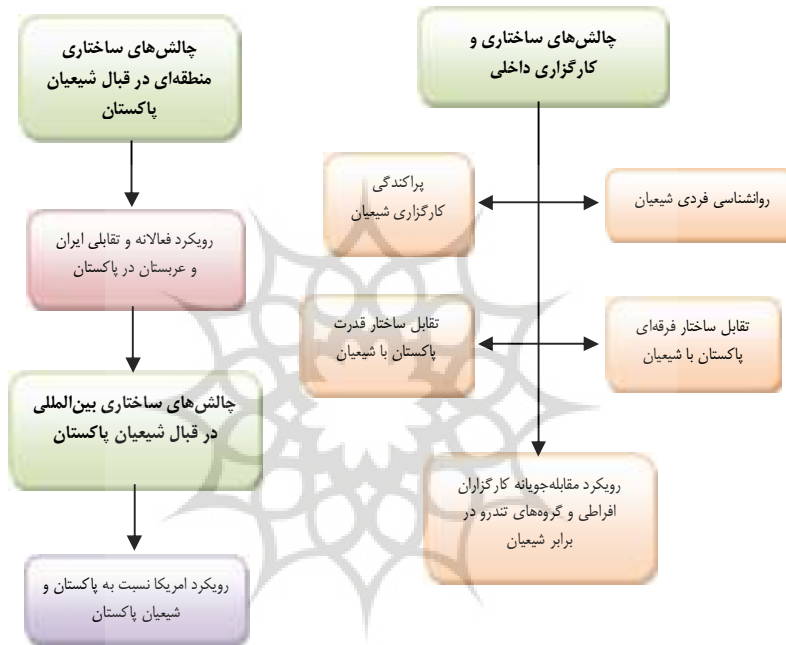
۳. محمد اکرم عارفی، «شیعیان پاکستان»، نشر شیعه‌شناسی، قم، چاپ اول ۱۳۸۵، صص ۹۵-۱۰۰.

شیعه هرگز نتوانست به حقوق حقه خود، موفقیت واقعی و شایسته خویش دست یابد. یکی از علت‌های این امر به روابط بین شیعیان و حاکمیت پاکستان برمی‌گردد. بدین معنی که هر گاه شیعیان مخالف حاکمیت بودند مورد بی‌مهری و خشم و فشار حکومت قرار می‌گرفتند و اگر با حکومت موافق بوده و از آن حمایت می‌کردند بازیچه و آلت دست حکومت می‌شدند و اکتفا کردن به برخی امتیازات سیاسی و اجتماعی و یا اقتصادی مقطعی که از جانب حکومت به آنها داده می‌شد، آنها را از رسیدن به حقوق کامل، پایدار و دائمی باز می‌داشت. یکی دیگر از دلایل این مساله این است که بر خلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که شیعیان در آنها از نوعی تمرکز جغرافیایی برخوردارند، در پاکستان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. شیعیان این کشور در تمام شهرها و شهرستان‌ها پراکنده‌اند و این پراکندگی در سطح روستاها نیز به چشم می‌خورد. ضمن اینکه پایین بودن سطح سواد و آگاهی روحانیون سبب شده آنها نتوانند یک بیش عمیق از تشیع به جوانان ارائه دهند و مکتب تشیع را در عزاداری خلاصه کرده اند و فلسفه عزاداری را به درستی درک نکرده‌اند.

به علاوه مرزبندی‌های قومی و زبانی و حتی طبقه‌ای نیز در این خصوص موثر بوده است. ضمن اینکه رویکرد افراطیون نسبت به شیعیان و اقدام به قتل و غارت شیعیان از سوی آنها همواره محدودیت‌هایی را متوجه شیعیان نموده است. به طور کلی شیعه همواره در پاکستان در موضع ضعف قرار داشته. عواملی چون سیاست‌های دولت، ماهیت تاریخی و در کنار آن فقر فرهنگی و اجتماعی در میان شیعیان در این امر دخیل بوده است. بدیهی است که شیعه در پاکستان با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر، یک واقعیت انکارناپذیر است که نمی‌توان از طریق ترور و اعمال خشونت و نادیده گرفتن حقوق‌شان، آنها را از صحنه سیاسی و اجتماعی خارج کرد.^۱ از سوی دیگر با توجه به وجود شکاف‌های متعدد مذهبی، قومی، انتقادی و نیز وجود زمینه‌های لازم برای بروز تنش‌های سیاسی و اجتماعی در پاکستان، باید همه گروه‌های مذهبی از جمله شیعیان

۱. مصاحبه با راشد عباس نقوی، از کارشناسان سیاسی پاکستان، ۵ شهریور ۱۳۹۳، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

در پی یافتن راهی برای شکل‌دهی به یک زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر باشند. بر این مبنا و با کاربرست نظریه ساختار- کارگزار چالش‌های شیعیان در جامعه پاکستان را در قالب نمودار زیر می‌توان مورد توجه قرار داد:



تضعیف جایگاه شیعیان

۴- چالش‌های ساختاری و کارگزاری داخلی

وضعیت پاکستان و دولت ورشکسته نه تنها مسائل و مشکلاتی را بر شیعیان، بلکه بر تمام مردم این کشور صرف‌نظر از نوع مذهب و قومیت تحمیل کرده است. در این خصوص می‌توان به ساختار متصلب و همچنین ساختار فرقه‌ای این کشور اشاره کرد. به علاوه مشکلات ناشی از کارگزاری شیعیان به‌ویژه پراکندگی و روانشناسی خاص

آنان در کنار رویکرد تقابلی گروه‌های افراطی نظیر سپاه صحابه و لشکر طیبه و ... مزید بر علت شده و از نظر داخلی دشواری‌هایی را برای شیعیان بوجود آورده که به برخی از این دشواری‌ها اشاره می‌شود.

۱-۴- تقابل ساختار قدرت پاکستان با شیعیان

ساختار قدرت در پاکستان در چرخه‌ای قرار گرفته که هر از گاهی بین بخش‌های سیاسی و نظامی دست به دست گشته و در این دست به دست گشتن قدرت بارها قانون اساسی با اصلاحاتی روبه رو شده تا قدرت حاکم را مشروعیت بخشد. حکومت در پاکستان، معمولاً از تعامل نظامیان، سیاستمداران سکولار و اسلام‌گرایان شکل می‌گیرد و در واقع این سه گروه، صحنه‌گردان سیاست در پاکستان هستند. از این رو، همواره رقابت میان این گروه‌ها برای دست‌یابی به قدرت وجود داشته است. ارتش، سیاستمداران سکولار و نیروهای اسلام‌گرا، به تنهایی نمی‌توانند برای مدت طولانی قدرت را در اختیار داشته باشند، لذا همواره برای برقراری ائتلاف با سایر نیروهای مؤثر، جهت کسب یا استمرار قدرت در پاکستان تلاش می‌کنند!

در واقع می‌توان گفت ساختار سیاسی قدرت در پاکستان برآمده از پویایی روابط نظامیان و غیر نظامیان و پیوند اسلام‌گرایی با دولت می‌باشد، از این رو به طور مستمر نوعی گفتمان خشونت‌آمیز حول محور تصاحب قدرت و سیاست خارجی در پاکستان در جریان است، در نگاه کلی‌تر سیر تحولات نوین روابط بین‌الملل، سرنوشت دیگری را برای پاکستان و حکومت مداری آن ترسیم نموده است. به طور کلی ترس پاکستان از نزدیکی آمریکا با هند در قالب همکاری‌های گسترده تکنولوژیکی، هدف پاکستان برای تسلط بر آسیای میانه، وحشت این کشور از موجودیت ائتلاف در قضیه دیورند و در نهایت کنترل بحران از سوی غرب که پاکستان یکی از ابزارهای آن می‌باشد، موجب شده نوعی سردرگمی در سیاست داخلی و خارجی این کشور به وجود آید.

بر این مبنا سیاست اصولی پاکستان برای بقا و تداوم حاکمیت همیشه بر دو محور

۱. محمود واعظی، «تحولات سیاسی پاکستان: تقسیم قدرت با غیر نظامیان»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، آذر ۱۳۸۶.

استوار بوده: دشمن سازی از بیرون و هضم توان نیروهای اپوزیسیون از درون، که از طریق ایجاد تفرقه در بین فرقه‌های مختلف ساکن در این کشور میسر بوده است، چنانچه این کشور شاهد آرامش میان اقوام نبوده، چرا که رنگ دادن به تمایزات قبیله‌ای و تشدید اختلافات دینی مذهبی یا زبانی از ابزارهای لازم برای کنترل کشور و مهار نیروهایی به شمار می‌رود که به گونه‌ای می‌توانند اقتدار سیاسی را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازند، درگیری دولت با نیروهای طالبان، نبردهای فرقه‌ای کراچی و پاراچنار و سرانجام تصفیه‌های خونین چند سال اخیر با شیعیان پاکستانی در کویته و دیگر نقاط آن، همه ناشی از تلاش دولت پاکستان برای مهار نیروهایی است که ممکن است در آینده چالشی برای اقتدار حاکمیت به شمار آیند.

اما در بعد دشمن‌سازی از بیرون؛ کشمیر نقطه تداوم ثبات سیاسی پاکستان از درون به حساب می‌آید، این اختلاف تاریخی می‌تواند مزایای فراوانی برای حاکمیت داشته باشد، که انحراف توجه اذهان عمومی از نابسامانی‌های موجود در سیستم اداری و اقتصادی و سرگرم نگه‌داشتن نیروهای اسلام‌گرای افراطی به مسئله‌ای که برای خود دولت خطری به دنبال نداشته باشد، می‌تواند یکی از این مزایا به حساب آید. ساختار سیاسی اقتدار در پاکستان به گونه‌ای مهندسی شده که دولت باید همیشه برای تداوم سلطه‌اش به مسایل جانبی توجه فراوانی داشته باشد. این کار امکان‌پذیر نیست مگر از طریق بحران‌آفرینی در داخل و خارج از این کشور، بنابراین دخالت‌های مداوم پاکستان در افغانستان علاوه بر پیگیری منافع کلان ملی آن کشور می‌تواند از این منظر نیز قابل بررسی باشد.

۲-۴- تقابل ساختار فرقه‌ای پاکستان با شیعیان

مفهوم ساختار فرقه‌ای مفهومی مرکب از دو واژه ساختار و فرقه‌ای است، معنای واژه ساختار در ادبیات سیاسی عبارت از نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیا، اجزا و نیروهایی که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که کلی خاص را تشکیل می‌دهند. اما واژه فرقه از مصدر فرق به معنای جدائی است. در فرهنگ دهخدا فرقه به معنای گروه، مردم و در فرهنگ فارسی معین فرقه به مفهوم طایفه و دسته و گروه، به کار برده شده است.

در فرهنگ علوم سیاسی در تعریف فرقه‌گرایی آن را در مورد بخشی از جامعه که از مذهب رسمی جدا شده یا به آیینی گرویده باشند و توسط همگان به رسمیت شناخته شده باشد به کار برده است.^۱ همچنین مراد از واژه فرقه‌ای یا فرقه‌گرایی عبارت است از قطع رابطه با افراد بیرون از فرقه، تعصب شدید نسبت به گروه خود و تبدیل شدن به دسته جدا از مردم.^۲

بنابراین منظور از مفهوم ترکیبی ساختار و فرقه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از اجزا بر پایه وابستگی و تعصب شدید نسبت به یک جریان اعتقادی و مذهبی خاص، که کنار هم قرار گرفته و خویشان را جدا از دیگران تصور می‌کنند.^۳ پارامترهای اصلی این نوع ساختار به صورت مشخص عبارت است از:

۱. واقع شدن یک مجموعه اعتقادی متعصب که ایدئولوژی نیروها را تشکیل می‌دهد.
 ۲. ترسیم مرزهای ایدئولوژیک غیر قابل نفوذ و تغییر پیرامون ارزش‌های مقدس.
 ۳. وجود روح تعصب و وفاداری متعهدانه اعضا به ارزش‌های گروه.
- در این راستا پارامترهای ساختار فرقه‌ای به صورت ملموس در پاکستان قابل مشاهده است، چنانکه جامعه مذهبی پاکستان را از لحاظ گرایش‌های مذهبی می‌توان به ۴ جریان عمده تقسیم کرد: ۱. دیوبندی، ۲. بریلوی، ۳. اهل حدیث و ۴. شیعه. این جریان‌ها از آغاز تاسیس تاکنون، نوعی گفتمان آشتی‌ناپذیر را در برابر هم در پیش گرفته و هر یک با استفاده از مفاهیم ارزشی و منابع تاریخی و نیز تفسیرهای خودگرایانه از سنت پیامبر گرامی اسلام فضای تنش‌آلود را در حوزه فکری و اعتقادی و همچنین در عرصه اجتماعی فعال نگه داشته‌اند.
- از سوی دیگر موضوع قومیت در رویکرد امنیتی یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به توسعه تحلیل می‌شود.^۴ تصویر موزاییکی

۱. علی آقا بخشی، «فرهنگ علوم سیاسی»، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳، ص ۶۱

۲. علی آقا بخشی، «فرهنگ علوم سیاسی»، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴، ص ۳۰۴

۳. نوذر شفیع، «ساختار فرقه‌ای در پاکستان»، بی‌تا، (drshafiee.blogfa.com/post-۱۹۴.aspx)

۴. حجت‌الله، ایوبی، «شکاف‌های قومی و خشونت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، ۱۳۷۷، ص ۱۷.

اقوام در متن ژئوپلیتیک پاکستان پروسه‌ای تاریخی از تهدید را فراروی این کشور به نمایش گذاشته است که گاه به دلیل مهاجرت اقوام دیگر از کشورهای دیگر، تنش‌های قومیتی حتی تشدید نیز می‌شود. در این راستا برخی منابع تعداد گروه‌ها و جریان‌های مذهبی بزرگ با گرایش‌های سیاسی، فرقه‌گرایی، جهادی و آموزشی - تبلیغی در پاکستان را نزدیک به ۲۳۷ مورد ذکر کرده‌اند که دست کم ۸۲ مورد از آنها فرقه‌گرا هستند. اغلب این احزاب و گروه‌ها، به صورت شبکه‌ای و ایجاد پیوندهای درون‌گروه و برون‌سازمانی فعالیت می‌کنند که این امر، شناسایی دقیق و مرزبندی مشخص آنها را مشکل می‌سازد.^۱ یکی از ویژگی‌های مهم ساختارهای فرقه‌ای در پاکستان، رهیافت ارزشی و کاملاً سنتی به پدیده‌های مدرن است. ضعف و فقدان خردگرایی در گروه‌های مذهبی موجب گردیده تا اولویت‌ها در مقام سیاست‌گذاری تحت تاثیر گرایش‌های آرمان‌گرایانه مذهبی قرار بگیرد و همچنین رشد خشونت‌های سازمان یافته فرقه‌ها در این کشور که تا به حال هزاران قربانی و زخمی گرفته معلول باورهای خصومت‌گرایانه فرقه‌ای می‌باشد.^۲

تنش‌های مذهبی و فرقه‌ای در این کشور به اشکال گوناگون ظهور یافته است که از جمله تنش میان مذاهب اسلامی از یک سو و فرقه قادیانی از سوی دیگر، تنش مذهبی میان بعضی از مذاهب اهل سنت، تنش میان بعضی از مذاهب اهل سنت و شیعیان اثنی‌عشری که از سال ۱۹۸۴ به بعد ماهیت خشونت‌آمیز به خود گرفته و تنش دیگر بین بریلوی‌ها و دیوبندی‌های تندرو که به وهابیت معروف شده‌اند. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ شیعیان و سنیان پاکستان علی‌رغم وجود اختلافات اعتقادی و عقیده‌ای و مشکلات گاه و بیگاه که بین آنها به وجود می‌آمد، هر دو گروه به عقاید یکدیگر، مراسم و جشن‌های مذهبی هم توجه و احترام می‌گذاشتند؛ در مساجد یکدیگر نماز می‌خواندند

۱. داوود، کریمی پور، «تعمیق چالش‌های آمریکا در محیط امنیتی پاکستان»، ۱۳۹۲.

۲. علی محمدی، «افراط‌گرایی در پاکستان، علل و پیامدها»، مندرج در کتاب آسیا ۵ ویژه مسائل پاکستان، انتشارات ابرار معاصر، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۹، ص ۱۸۹ - ۱۹۸.

و حتی چیز عجیبی نبود که یک سنی با همسایه شیعی خود در مراسم عزاداری ماه محرم شرکت کند و اگر درگیری یا مساله‌ای نیز پیش می‌آمد در بیشتر اوقات در سطح محلی و با شفاعت و دخالت ریش سفیدان روستا و رهبران دو فرقه حل و فصل می‌شد و بعد از مدت کوتاهی وضع به حالت اول باز می‌گشت. این وضعیت از میانه ۱۹۸۰ رو به زوال گذاشت و خشونت‌های فرقه‌ای میان شیعه و سنی در مناطق مختلف پاکستان از جمله جهنگ و پنجاب و همچنین نواحی مرزی شرق پاکستان افزایش پیدا کرد. بنابراین یکی از کارویژه‌های دولت‌هایی که در پاکستان بر سر کار می‌آیند باید این باشد که میان تحمیل سیستم ارزشی یکی بر دیگری ایجاد تعادل کند.

۳-۴- پراکندگی کارگزاری شیعیان

یکی از شاخصه‌های اصلی جمعیت شیعیان پراکندگی آنان در سراسر پاکستان است که عمدتاً به عنوان یکی از نقاط ضعف آنان نیز برشمرده می‌شود. واقعیت این است که شیعیان پاکستان پراکنده هستند. این پراکندگی سبب شده نقشی را که دارند نتوانند ایفا کنند. همچنین این پراکندگی باعث شده که شیعیان در برخی مناطق تحت فشار گروه‌های اهل سنت و دیوبندی‌ها، شیعه بودن خود را انکار کنند یعنی تقیه در پیش گیرند.

از بندر کراچی در سواحل جنوبی تا دورافتاده‌ترین روستاهای واقع در دره‌های مناطق شمالی (گلگیت و بلتستان)، شهرها و مناطق مختلفی وجود دارد که گاهی اکثریت یا نیمی از جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. مناطق شمالی و کشمیر آزاد حوزه نفوذ تاریخی شیعیان امامیه و اسماعیلیه پاکستان است. در ایالت پنجاب در لاهور حدود یک میلیون شیعه و در مولتان نیز ۳۰ درصد جمعیت شهر شیعه‌اند. کراچی مرکز ایالت سند نیز جمعیت زیادی (حدود ۲۵ درصد جمعیت شهر) شیعه را در خود جای داده است که بوهره‌ها، خوجه‌ها و امامیه‌ها را شامل می‌شوند. کوئته نیز از مراکز حضور شیعیان است که از اقوام مختلف هزاره، پنجابی، قندهاری، گلگتی و بلتی به شمار می‌رود. اکثریت عمده آنها هزاره‌ها با آداب و رسوم خاص خود هستند. در ایالت سرحد به ویژه برخی شهرهای هم‌مرز افغانستان مناطق شیعه‌نشین وجود دارد که

عمدتاً مورد حمله قبایل و افغان‌های متعصب قرار می‌گیرند.^۱ در پاراچنار (نیمی از جمعیت شهر) و کوهات (قبیله بنگش)، هنگو، دره اسماعیل خان و اورکزهی از مراکز عمده تشیع به شمار می‌روند. در میان قبایل بلوچ، تنها قبیله بلوچ‌های دمبکی خود را شیعه می‌خواند. شایان ذکر است که برتری قومی بر برتری دینی ارجحیت دارد، یعنی شیعه سندی خودش را برتر از شیعه بلوچ می‌داند؛ شیعه پنجابی خودش را برتر از شیعه سرحدی می‌داند. این مساله ضربه بیشتری به شیعه می‌زند.^۲

۴-۴- روانشناسی فردی شیعیان (کارگزار)

آنچه بیش از همه در پیشبرد اهداف یک جریان اهمیت دارد، رهبری است. رهبری در حقیقت یکی از اضلاع مهم است که در صورت اشکال در آن، مشکلات زیادی بروز خواهد کرد. در صورتی که سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در مردم پدیدار گردد، اما رهبری و نهادهای بسیج‌گر وجود نداشته باشد که بتواند مردم را در راستای اهداف بسیج‌کنند، جریان موفق نخواهد شد. هرگاه رهبر یا نهادهای بسیج‌گر جامعه بتوانند نقش فعال‌سازی نارضایتی‌ها، مطرح کردن ایدئولوژی جایگزین و هدایت انقلابی را به خوبی ایفا کنند، حرکت موفقیت‌آمیز خواهد بود.

در برخی موارد فرد بر اساس جایگاه خاص اجتماعی که در جامعه دارد، رهبری را بر عهده می‌گیرد و در مواردی دیگر، متناسب با ساختار اجتماعی، یک حزب یا گروه این نقش را ایفا می‌کنند و باید توجه داشت که میزان موفقیت رهبر و میزان تبعیت مردم از رهبری نقش موثری دارد. در این راستا بسیاری از تحولات و پیشرفت‌های تشیع در پاکستان ثمره تلاش‌های افرادی بوده که هم‌زمان در عرصه‌های سیاست‌ورزی و دین‌پروری به ایفای نقش پرداختند. در این خصوص علامه مفتی جعفر حسین و سید عارف حسین حسینی، از جمله شخصیت‌های برجسته سیاسی-مذهبی پاکستان بودند که به عنوان رهبران نهضت فقه جعفری نیز ایفای نقش کردند. عارف الحسینی در سال

۱. محمد اکرم عارفی، «شیعیان پاکستان»، نشر شیعه‌شناسی، قم، چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۹۳-۱۲۷.

۲. مصاحبه با ماشاءالله شاکری سفیر پیشین ایران در پاکستان، در موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۳/۸/۲۵.

۱۹۸۸ در پیشاور ترور شد.

به طور کلی به نسبت پراکندگی شیعیان در میان آنها رهبری واحد مثل ایران و عراق وجود ندارد از همین رو این مساله خود عاملی در پراکندگی و عدم اتحاد گروه‌های شیعی می‌باشد. این موضوع نقش موثری بر تحرک‌پذیری شیعیان دارد و عملاً ظرفیت اقدام از جانب آنان در برهه‌های حساس را کاهش می‌دهد. از این رو فقدان رهبری واحد و هماهنگ‌کننده از چالش شیعیان پاکستان بوده و بر نقش‌آفرینی آنها تاثیر مستقیم دارد.

۵-۴- رویکرد مقابله‌جویانه کارگزاران افراطی و گروه‌های تندرو در

برابر کارگزاری شیعیان

در کشوری که یک سوم جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ روشن است که مردمان توان اندکی برای برخوردار کردن فرزندان خود از آموزش دارند. مدرسه نه تنها افراد را رایگان آموزش می‌دهد بلکه همه هزینه‌های پوشاک، خوراک و مسکن دانش-آموزان را نیز می‌پردازد. روزنامه تایمز در مقاله‌ای در تاریخ ۳۱ مه ۲۰۰۹ میلادی عنوان داشت که از این مدارس مذهبی برای ذخیره کردن جیره سرقت شده از سازمان‌های غیردولتی و انباری برای اسلحه استفاده می‌شود.^۱

در این میان یکی از عرصه‌های تجلی افراط‌گرایی در میان فرقه‌های مذهبی است. این گونه از افراط‌گرایی بر هویت انحصاری یک گروه مذهبی تاکید و تمرکز دارد و سایر گروه‌ها و اشکال ناروا یا انحرافی از آن مذهبی و بنابراین مستحق خشونت می‌داند. این خشونت بر اساس تقویم مذهبی و در مکان‌ها و زمان‌های مقدس اعمال می‌شود. همچنین علاوه بر عموم پیروان یک فرقه شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار آن فرقه هدف این نوع خشونت قرار می‌گیرند. اقلیت‌های مذهبی پاکستان و حتی بخشی از گروه اکثریت در سه دهه قربانی این خشونت‌ها شده‌اند.

۱. Tahir, Andribi R & Das. Jishu "Religious School Enrollment in Pakistan", Comparative Education Review, NO.۳۲۰۰۶.p.۴

۵- چالش‌های ساختاری خارجی در قبال شیعیان پاکستان

به طور حتم، تحولات پاکستان متأثر از تحولات منطقه است. این کشور به دلایل مختلف از جمله موقعیت جغرافیایی - سیاسی، تاثیرگذاری اش بر افغانستان و حضور بازیگران غربی (آمریکا و ناتو)؛ در کانون توجهات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. قابل تصور نیست که ما شاهد تحولاتی در غرب آسیا به ویژه عراق و سوریه باشیم و تاثیرش را در منطقه و پاکستان نسنجیم. واقعیت این است که برخی از حامیان جریانات افراطی - تکفیری در تلاشند تا شکست‌های خود در غرب آسیا را در منطقه پاکستان و افغانستان جبران کنند و به همین جهت با استفاده از فرقه‌گرایی و جریان‌های تندرو و گاه ویژه به شیعیان پاکستان به اهداف خاص خود دست یابند.

۵-۱- رویکرد فعالانه و تقابلی ایران و عربستان در پاکستان

یکی از متغیرهای اثرگذار در روابط خارجی دو کشور ایران و پاکستان مسئله اقلیت شیعه است. قبل از پیروزی انقلاب این مولفه نقش چندانی در سیاستگذاری خارجی ایران به طور کلی و در روابط خارجی با پاکستان به طور خاص بازی نمی‌کرد، اما بعد از انقلاب به عنصری مهم در این زمینه تبدیل شد. اهمیت یافتن عنصر شیعه در جهت‌دهی به سیاست خارجی ایران به واقعیت‌های موجود در منطقه بر می‌گردد که عبارتند از:

- ۱- ایران به عنوان تنها دولت اسلام‌گرای شیعی در جهان به لحاظ مذهبی و ایدئولوژیکی خود را نسبت به وضعیت شیعیان منطقه متعهد می‌داند و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت آن‌ها بی‌تفاوت باشد.
- ۲- ایران از طریق جامعه شیعی موجود در کشورهای منطقه به دنبال بسط نفوذ فکری، فرهنگی و ژئوپلیتیکی خود است که در دهه اول انقلاب در سیاست صدور انقلاب تبلور پیدا کرد. هر چند هم زمان تهران از برخی گروه‌های اسلام‌گرای سنی نیز حمایت کرده است.
- ۳- اقلیت شیعه نیز که وجوهی از ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعه برای‌شان جذاب است و به لحاظ مذهبی و عاطفی به شیعیان ایران احساس تعلق می‌کنند، از ایران انتظار

حمایت و توجه دارند.

۴- پیوند شیعیان منطقه با ایران سابقه تاریخی طولانی دارد و فارغ از انگیزه‌های حاکمان و مجاری رسمی همواره تداوم یافته است.

از این منظر روابط ایران و پاکستان- به عنوان دومین کشور دارای جمعیت شیعه جهان- نمی‌تواند متاثر از مسئله شیعه نباشد. در این راستا شیعیان پاکستان دو طایفه هستند یک طایفه آنها ملاک و زمین دار هستند، که در سیاست این کشور هم نقش دارند. البته چون کشور وسیع است نسبت آنها به دیگران کمتر است ولی به هر حال ملاک‌ها و زمین دارهای بزرگ در سیاست پاکستان نقش مهمی دارند. در اوایل استقلال پاکستان نقش آنها بیشتر بود ولی از وقتی که پاکستان از هند جدا شد، نقش آنها کم رنگ شده است. طایفه دیگر صنعت کاران بزرگی از شیعه هستند؛ اگرچه نسبت آنها به بقیه کمتر است ولی صنعت کاران بزرگی هستند که در اقتصاد کشور نقش خوبی دارند. در عرصه کشاورزی هم همین طور. البته عامه مردم شیعه از لحاظ اقتصادی ضعیف اند. در سیاست کشور هم ملاکان شیعه نقش دارند. حتی در حرکتی هم که برای تاسیس پاکستان صورت گرفت بیشتر از سرمایه های شیعیان صرف گردید. به گونه ای که در اوایل تاسیس پاکستان شیعیان در پست های مهم دولتی حضور داشتند، اکنون هم در سیاست کشور نقش دارند اما نه مثل گذشته. سیاست پاکستان سیاست حزبی است، سیاستی که پشت سر نهادهای دولتی قرار دارد و هر حزبی را که بخواهند پیروز می‌شود. در این احزاب هم شیعیان حضور دارند.

از نظر گروه های تندرو مذهبی؛ ایران به دنبال تقویت و توسعه تشیع در منطقه از جمله پاکستان است. آنها با اصرار بر تاثیرگذاری ایران بر جامعه شیعی پاکستان قصد مقابله با شیعیان را دارند و با تحریک اقلیت سنی در ایران به ویژه در استان سیستان و بلوچستان درصدد هستند تهران را تحت فشار قرار دهند. در مقابل، ایران نیز نمی‌تواند نسبت به تشدید گرایش های فرقه گرایانه و اسلام‌گرای تندرو- که یکی از اهداف مقابله با شیعه و ایران است- بی‌تفاوت باشد. خشونت فرقه‌ای که طی چند دهه گذشته به طور جدی امنیت و جان جامعه شیعی پاکستان را هدف قرار داده، مهم ترین دغدغه

ایران است. تهران همواره از اسلام آباد خواسته است تا به طور جدی و موثرتری با گروه‌های فرقه‌گرا برخورد کند و امنیت جانی و فیزیکی جامعه شیعی را تامین کند. از ۷۰ الی ۸۰ درصد اهل سنت پاکستان، کمتر از ۲۰ درصد آن به فرقه دیوبندیسم اعتقاد دارد و نزدیک به ۸۰ درصد آنها بریلوی هستند. جریان‌های بریلوی به تفکر شیعه بسیار نزدیک هستند؛ چون در تضاد با دیوبندیسم و وهابیت شکل گرفته‌اند و به دلیل ترکیب با تصوف یک تفکر نرم و منعطف است و تعامل بسیار نزدیک و مثبتی با شیعه دارد. اما جریان دیوبندیسم جریان افراطی است. این فرقه از زمانی که جهاد علیه انگلیسی‌ها را به رسمیت شناختند، رفتارهای مسلحانه و خشونت طلبانه را در دستور کار خود قرار دادند. دیوبندی‌ها سعی می‌کنند مسائل را از طریق جهاد، شمشیر و اسلحه حل کنند، تا از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز. این تفکر خمیرمایه طالبان‌نیم پاکستان است.^۱ بخشی از هزینه‌های جمهوری اسلامی ایران در تعامل با پاکستان مانند در معرض ترور قرار دادن بیش از ۳۵۰۰ تن از رهبران و فعالان تشیع به دلیل این است که ما همیشه به پاکستان نگاه سیاسی-امنیتی داشته‌ایم. اگر در تعاملات خود نگاه فرهنگی اتخاذ کنیم می‌توانیم آینده بهتر داشته باشیم.^۲ آنچه باعث شده تضاد با شیعه دامنه پیدا کند، مسائل مختلفی است که بیشتر جنبه سیاسی دارد. عربستان نیز به انحاء مختلف به دنبال نفوذ در پاکستان جهت مقابله با شیعیان و ایجاد مانع جهت نفوذ ایران در این کشور بوده است. در این خصوص در خلال سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۹ عربستان سعودی و آمریکا حدود ۳/۵ میلیارد دلار در اختیار دولت پاکستان گذاشتند که جهاد افغانستان را رونق بخشد. قسمت قابل توجهی از عملیات «گردباد» سازمان سیا برای آزادسازی افغانستان از اشغال روس‌ها، تأسیس مدارس دینی در پاکستان بود تا طلاب آموزش دیده در این مدارس به مبارزین یا

۱. نوذر شفیی و دیگران، کتاب «وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان پاکستان»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۱۲-۳۶.
 ۲. نوذر شفیی، منبع بالا، ص ۱۵-۲۴.

جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی بجنگند.^۱ این مدارس مذهبی در اولین گام، جهاد با کفار را آموزش می‌دادند تا طلاب خود را آماده جنگ با کفار کمونیست کنند؛ اما با توجه به ماهیت استادان این مدارس که اکثر قریب به اتفاق آنها تحصیل‌کردگان آموزشگاه‌های افراطی عربستان سعودی بودند، چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و کافر و مشرک پنداشتن هر که، جز پیرو مکتب سلفی و وهابی، بود. می‌توان گفت کمک‌های مالی کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی به راحتی وارد پاکستان می‌شود و به توسعه و گسترش مدارس دینی در این کشور اختصاص می‌یابد.^۲

۲-۵- رویکرد امریکا نسبت به پاکستان و شیعیان پاکستان

روابط امریکا و پاکستان طی ۶۰، ۷۰ سال گذشته به رغم وجود دو نظام سیاسی کاملا متفاوت، در سطح اتحاد راهبردی باقی مانده است. بررسی روابط پاکستان با امریکا نشان می‌دهد که نوع و سطح روابط آنها با یکدیگر می‌تواند در روابط جمهوری اسلامی ایران با هر یک از این دو کشور فرصت‌ها و تهدیدهایی را به وجود بیاورد. به رغم خصوصیت زیاد در روابط ایران و امریکا بررسی تجربه سه دهه روابط میان تهران، اسلام‌آباد و واشنگتن نشان می‌دهد که روابط خوب بین امریکا و پاکستان می‌تواند در جهت کاهش تنش در روابط ایران و امریکا و ایران و پاکستان باشد. در همین حال مناسبات ایران و امریکا برای اهداف و منافع ملی پاکستان مضر خواهد بود.^۳ البته از منظر امریکا، جمهوری اسلامی ایران مشکل و مسئله امنیتی و اساسی است. مهار انقلاب اسلامی نیازمند مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. از نظر واشنگتن روابط پاکستان با ایران را زمانی می‌توان مقبول دانست که به تقویت موقعیت

۱. غلامرضا خسروی، «شیعیان پاکستان»، مندرج در کتاب «مناسبات راهبردی ایران و پاکستان»، به اهتمام طیبه واعظی، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۱۵۹.

۲. روزنامه جام جم، «نقش عربستان و کشورهای عربی در رشد افراط‌گرایی در پاکستان»، ۳۱ مرداد ۱۳۸۶.

۳. محمود یزدان‌فام، «مناسبات پاکستان و امریکا: چالشها و پیامدها»، مندرج در کتاب «مناسبات راهبردی ایران و پاکستان»، به اهتمام طیبه واعظی، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۷۳-۷۵.

ایران در منطقه منجر نشود. یکی از مصداق‌های عینی و بارز آن تقویت توانمندی‌های ایران در زمینه فن‌آوری هسته‌ای است. آمریکا به شدت مخالف هرگونه گسترش فن‌آوری غنی‌سازی اورانیوم و سلاح هسته‌ای در جهان است و این حساسیت درباره ایران بسیار شدید است.

با اعلام استراتژی جدید دولت اوباما در قبال افغانستان و پاکستان در ۲۷ مارس ۲۰۰۹، جایگاه اسلام‌آباد در سیاست‌های کلان آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شد. در این استراتژی اهدافی چون پراکنده ساختن، تخلیه و شکست نیروهای القاعده در افغانستان و پاکستان، انهدام پناهگاه‌های القاعده در پاکستان، اعزام ۱۷ هزار نیروی اضافی به افغانستان و اعطای کمک سالانه ۱/۵ میلیارد دلاری به پاکستان طی ۵ سال آینده، بیان شده بود، اعلام این استراتژی به منزله تداوم و تشدید اهداف متناقض پاکستان بود. اسلام‌آباد از یک سو به اتحاد با ایالات متحده برای حفظ توازن قدرت در برابر هند و نیز دریافت کمک‌های مالی این کشور سخت‌نیازمند است و از سویی دیگر، عمل به تعهدات مورد نظر واشنگتن در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم، به منزله نابودی برگ برنده و چکش تعادل و توازن پاکستان در منطقه به ویژه در قبال هند و افغانستان است. ضمن آن که اجازه حضور به نظامیان آمریکایی در خاک پاکستان بر روابط دو جانبه ایران و پاکستان نیز پیامدهای بسیار منفی برجای خواهد گذاشت. چرا که ایران بسیاری از عملیات‌های تروریستی در مرزهای شرقی خود (به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان) را ناشی از همین امر می‌داند و این مسئله در طی سال‌های اخیر بر روند مناسبات تهران-اسلام‌آباد اثرات مخربی داشته است.^۱

با تشدید مناسبات خصومت‌آمیز در روابط تهران-واشنگتن دایره حساسیت آمریکا در قبال همکاری‌های اسلام‌آباد با تهران تنگ‌تر و سخت‌گیری‌های آن به دولت پاکستان بیشتر می‌شود. مخالفت آمریکا با احداث خط لوله انتقال گاز از ایران به

پاکستان و هند که به خط لوله صلح معروف شده است، نشان دهنده افزایش تنش در مناسبات تهران با واشنگتن است. آمریکا تلاش می‌کند از پاکستان به عنوان وسیله‌ای برای کنترل ایران استفاده کند. در حالی که موضوع و مسئله پاکستان چیز دیگری است و ایران بیش از اینکه رقیب آن باشد، دوست و همکار آن است.

اما در طی سال‌های اخیر، علی‌رغم همکاری نسبتاً نزدیک پاکستان و ایالات متحده در جنگ علیه تروریسم و اعلام استراتژی جدید باراک اوباما در قبال پاکستان، سیر تحولات به گونه‌ای رقم خورده است که به تدریج شاهد فاصله گرفتن پاکستان از آمریکا و نزدیک شدن به ایران هستیم. تحولات مهمی چون چرخش آشکار سیاست خارجی واشنگتن نسبت به هند (ارتقای روابط دو کشور به سطح استراتژیک در سال ۲۰۰۰ و انعقاد موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای در سال ۲۰۰۵)، همراهی هند با ایالات متحده در جریان رأی‌گیری در مورد قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ علیه ایران، فشار آمریکا به پاکستان در مورد انتقال فن‌آوری‌های هسته‌ای به ایران (از طریق عبدالقدیرخان)، حمایت پاکستان از برنامه هسته‌ای ایران و مخالفت با اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، موجب دوری تدریجی پاکستان و آمریکا و به تبع آن نزدیکی ایران و پاکستان شده است. هرچند پاکستان در شرایطی نیست که از میان ایران و آمریکا دست به انتخاب بزند؛ از این رو می‌کوشد با تفکیک مسائل از یکدیگر، این معادله پیچیده را هم چنان ادامه دهد. در مجموع آنچه از مرور تحولات سه دهه گذشته حاصل می‌شود، این است که نوعی «همبستگی منفی» در مناسبات ایران و پاکستان در قبال سیاست‌های آمریکا وجود دارد. بدین ترتیب که هر زمان، آمریکا و پاکستان به یکدیگر نزدیک شده‌اند، ایران و پاکستان از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و هر زمان که مناسبات آمریکا و پاکستان دچار تنش شده است، به صورت طبیعی مناسبات ایران و پاکستان روند مثبت‌تری را تجربه نموده است.^۱

یکی دیگر از موضوعات اساسی که منشا آن به مسائل و موضوعات امنیتی در پاکستان برمی‌گردد، اسلام‌گرایی مردم پاکستان و متقابلاً جو غالب آمریکاستیزی در این کشور

۱. ولی کوزه گر کالجی، «فراز و نشیب‌های روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری»، مندرج در کتاب «پاکستان؛ چالش‌های داخلی و سیاست خارجی»، نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ اول آذر ۱۳۹۰، صص ۹۸-۱۰۶.

است. اسلام در شکل‌گیری پاکستان و هویت بخشی به آن نقش اساسی دارد. عملکرد گروه‌های تندرو اسلامی در سه دهه گذشته تاثیر زیادی بر مناسبات آمریکا و پاکستان گذاشته است. در دهه ۱۹۸۰ این گروه‌ها عامل پیوند دهنده میان دو کشور بودند و موجب نزدیکی بیشتر دو کشور شدند. چرا که هدف مشترک دو کشور بیرون کردن شوروی از افغانستان و راهبرد آنها تجهیز و حمایت از گروه‌های جهادی بود. با خروج شوروی از افغانستان و فروپاشی آن، فلسفه وجودی اسلام‌گرایان در سیاست خارجی آمریکا جایگاه خود را از دست داد. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و اعلام جنگ علیه تروریسم، دولت پاکستان جانب آمریکا را گرفت و به حمایت از واشنگتن پرداخت.^۱ با وجود سیاست مشخص دولت پاکستان در محدود کردن اسلام‌گرایان تندرو در این کشور، هیچ دولتی نمی‌تواند نفوذ آنها را در میان مردم پاکستان نادیده بگیرد. حمایت از آمریکا برای دولت‌های پاکستان پیامدهای ناگواری در داخل کشور دارد. اسلام در میان مردم پاکستان جایگاهی بالا و ارزشمند دارد، در حالی که دولت آمریکا در میان مردم پاکستان به شدت منفور است. در واقع آمریکاستیزی در میان مردم پاکستان نفوذ عمیقی دارد. طبق نظرسنجی‌های انجام شده نگاه اکثریت مردم پاکستان به آمریکا منفی است. اکثریت مردم این کشور بر این باورند که نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد و این کشور نفوذ زیادی بر پاکستان دارد. از نظر ۷۲٪ مردم پاکستان، حضور نظامی آمریکا در آسیا تهدیدی اساسی، به زعم ۱۲٪ تهدیدی مهم اما نه اساسی و فقط بنا بر نظر ۶٪ تهدید مهمی به شمار نمی‌رود. اهمیت این موضوع را زمانی بیشتر می‌توان درک کرد که بدانیم فقط ۵۳٪ از همین مردم تنش در روابط هند و پاکستان را تهدیدی اساسی برای پاکستان می‌دانند.^۲ هم‌چنین اکثریتی رو به رشد از مردم پاکستان بر این باورند که هدف آمریکا تضعیف و تقسیم جهان اسلام است و نگاه بدبینانه مردم پاکستان به حضور نظامی آمریکا در آسیا و

۱. پیر محمد ملازهی، «استراتژی اوباما در پاکستان و تاثیر آن بر تحولات افغانستان»، مندرج در کتاب «پاکستان؛ چالش‌های داخلی و سیاست خارجی»، نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ اول آذر ۱۳۹۰، به صفحات ۱۱۶ الی ۱۴۰ رجوع شود.
 ۲. داوود کریمی پور، «تعمیق چالش‌های آمریکا در محیط امنیتی پاکستان»، پژوهشکده مطالعات آمریکا، ۱۳۹۲/۸/۱۰، (<http://www.usrin.com/?q=node/۱۱۱۶>) نیز خبرگزاری ایسنا، ۸ مرداد ۱۳۹۲.

بدبینی به اهداف آمریکا در جهان اسلام و تلقی دست نشانده بودن دولت پاکستان، تنظیم مناسبات دو کشور را با مشکلات و چالش‌های زیادی همراه نموده است.

۶- حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان

مجلس وحدت مسلمین پاکستان (MWM) یک سازمان سیاسی - مذهبی شیعی در پاکستان است. این سازمان، حزبی ضدطالبان، ضدتروریسم و طرفدار جنبش اسلامی شیعه برای ایجاد یک دولت رفاه دموکراتیک اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی محسوب می‌شود. این حزب هم‌چنین در قم، ایران، لندن حضور داشته است. مجلس وحدت مسلمین پاکستان توسط محمد امین شاهدی و یک گروه از روحانیت مسلمان شیعه در ۲ آگوست ۲۰۰۹ در اسلام آباد پاکستان پایه‌گذاری شد. مجلس وحدت مسلمین پاکستان با شعار "پاکستان را تاسیس نمودیم و محافظت هم خواهیم کرد" وارد عرصه شد.^۱ این حزب حضور برجسته‌ای در میان مسلمانان شیعه در پنجاب، سند، بلوچستان، خیبر پختونخواه، گلگت - بلتستان و در کشمیر آزاد دارد. دیدگاه اصلی این حزب بالا بردن صدای حق و حقیقت در برابر ظلم و ستم در جامعه مسلمین شیعه پاکستان و ایجاد حسن نیت در میان مسلمانان سنی مذهب به منظور بالا بردن آگاهی‌های سیاسی و مذهبی در میان مسلمانان شیعه این کشور و احیای تعالیم قرآن کریم و حضرت محمد(ص) در جامعه است. فلسفه تاسیس مجلس وحدت مسلمین پاکستان، عدم توجه احزاب سیاسی به معیشت و مشکلات مردمی، نفوذ بیش از پیش سلفی‌ها، تکفیری‌ها و وهابیون بود. به زعم رهبران این حزب شیعه‌زدایی از پاکستان و تکفیر آنان، در دستور کار غرب قرار گرفته است و باید با ایجاد اتحاد و وحدت اسلامی در مقابل توطئه شوم غرب ایستاد. با توجه به علاقه شدید مردم پاکستان به دین و معارف اسلامی، استعمار و استکبار جهانی برنامه‌های خاصی را برای ایجاد تفرقه در این کشور ایجاد کرده است؛ استکبار جهانی با دامن زدن به اختلافات قومی و قبیله‌ای درصدد تقسیم این کشور است و این مهم بدون

پایان پذیرفتن به نفوذ آمریکا و عربستان در پاکستان برچیده نخواهد شد. بر این اساس آمریکا و رژیم اشغالگر قدس همراه با عربستان مقصر اصلی مشکلات و چالش‌های امنیتی کنونی در پاکستان هستند. از این رو این حزب خواستار پایان نفوذ آمریکا و عربستان در پاکستان هستند.^۱

۱-۶- انتخابات درون حزبی و انتخابات عمومی ۲۰۱۳

کنوانسیون دو روزه مجلس وحدت مسلمین در اسلام آباد در تاریخ دهم و یازدهم آوریل ۲۰۱۰ با هدف سازماندهی انتخاب دبیرکل جدید برای برجسته‌ترین سازمان نمایندگی مذهبی و سیاسی شیعیان پاکستان برگزار شد. نمایندگان از سند، ایالات پنجاب، خیبر پختونخواه، بلوچستان، گلگت - بلتستان و کشمیر آزاد برای انتخاب دبیرکل جدید برای یک دوره زمانی سه ساله رأی دادند.^۲

به زعم سید اصغر عباس زیدی دبیر سیاسی مجلس وحدت مسلمین در کراچی اهداف حزب از شرکت در انتخابات ۲۰۱۳ پاکستان، در وهله اول به دست آوردن چند کرسی بود تا بتوانند در بلندمدت تغییر سیستم به شکل اسلامی را دنبال کنند. کمیسیون انتخابات پاکستان در اوایل سال ۲۰۱۳،



مجلس وحدت مسلمین را به عنوان یک سازمان سیاسی به رسمیت شناخت و تعیین کرد. کمیسیون انتخابات هم‌چنین «چادر» مجلس وحدت مسلمین را به عنوان یک نماد انتخاباتی معرفی کرد.^۳

مجلس وحدت مسلمین در مارس ۲۰۱۳ اعلان کرد که در انتخابات عمومی ۲۰۱۳،

۱. <http://www.bou.ac.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID...>

۲. <http://www.shiitenews.com/index.php/pakistan/۱۲۴۰-majlis-e-wahdat-holds...>

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۱۳۹۲/۹/۲۱.

۵۰ نامزد را برای کرسی‌های استانی و ۲۰ نفر را برای کرسی‌های ملی معرفی کرده است در حالی که در کراچی ۱۰ نفر کاندید برای کرسی‌های استانی و ۱۱ کاندید برای کرسی‌های ملی نامزد شدند.^۱

محمدرضا از مجلس وحدت مسلمین موفق به کسب کرسی در شورای ولایتی از حوزه PB-۰۲ بلوچستان شد. براساس آمار منتشر شده از سوی کمیسیون انتخابات پاکستان، این حزب موفق به کسب ۴۱۵۲۰ رأی در مجلس ملی و ۸۷۹۹ رأی در بلوچستان، ۳۷۴۴۴ رأی در پنجاب و ۳۶۸۶۸ رأی در سند شد. براساس این آمار، مجلس وحدت مسلمین به عنوان بیست و نهمین حزب سیاسی پاکستان از میان ۲۰۰ حزب سیاسی ثبت‌نام شده معرفی شده است.^۲

مجلس وحدت مسلمین نه تنها از حزب تحریک انصاف پاکستان در انتخابات عمومی حمایت کرد بلکه این سازمان، نخستین سازمان سیاسی - مذهبی است که توسط عمران خان و حزب او حمایت شده بود.^۳ حزب تحریک سنی مذهب، منهج القرآن بین‌المللی، شورای اتحاد سنی و جماعت العلمای پاکستان (علی‌رغم سنی بودنشان) حامیان اخلاقی مجلس وحدت مسلمین (شیعی مذهب) هستند و همه آنها با یک رویکرد مشخص در برابر طالبان پاکستان و گروه‌های فرعی آن مانند سپاه صحابه طرح‌ریزی و عمل می‌کنند.^۴

۲-۶- هدف اصلی مجلس وحدت مسلمین؛ اقدام برای اتحاد مسلمانان

مجلس وحدت مسلمین و شورای اتحاد سنی گروه‌هایی بزرگی را در شهرستان‌های مختلف برای ترویج وحدت برگزار کردند و حتی چهره‌هایی از اقلیت‌های مذهبی از

۱ . Syed Jafar Aksari, MWM declares ۳-point agenda for seat adjustment, The Nation, March ۳۱, ۲۰۱۳.

۲ . <http://ecp.gov.pk/ERConsolidated۲۰۱۳/AllResultsFull۲۰۱۳.aspx?assemblyid=PB>.

۳ . <http://insaf.pk/news/national-news/item/۱۷۶۱۳-PTI/۲۰-and/۲۰Majlis-e-Wahdat-ul-Muslimeen/۲۰decide/۲۰to/۲۰jointly/۲۰promote/۲۰unity/۲۰peace/۲۰and/۲۰harmony>.

۴ . <http://www.abna.ir/data.asp?lang=۳&id=۵۰۲۸۲۳>.

جمله از مسیحیان و هندوها نیز به این گروه‌هایی دعوت شدند. مجلس وحدت مسلمین اظهار می‌دارد که آنها بر این باورند که وحدت تنها راه برون‌رفت از تنش‌های فرقه‌ای میان مسلمانان است که توسط دشمنان ایجاد شده است.^۱

در ۲۸ آوریل ۲۰۱۳، حسن کشمیری یکی از فعالین مجلس وحدت مسلمین توسط مردان مسلح ناشناس به ضرب گلوله کشته شد. پس از برگزاری نماز، جنازه وی در قبرستان وادی - حین دفن شد. مجلس وحدت مسلمین این حمله را محکوم کرد. با این حال از محکوم کردن سپاه صحابه امتناع کرد. در حالی که پلیس مشغول پیگیری حادثه حسین کشمیری بود یک عالم شیعی دیگر در نزدیکی لیاکوآتاباد مورد حمله قرار گرفت در طی این حمله او کشته شد.

این حزب معتقد است که پاکستان نیازمند تحولات استراتژیک است و اگر دولت بخواهد در این زمینه عملکرد خوبی داشته باشد، باید قدرت نظامی خود را بهبود بخشد تا بتواند در مقابل کودتاهای داخلی، خارجی و نفوذ بیگانگان ایستادگی کند. دولت موظف است برای مردم فضای امنی ایجاد کند و از قدرت گرفتن گروه‌های سلفی و افراط‌گرا جلوگیری نماید و مردم نیز موظفند در کنار دولت با اتحاد و همبستگی از کشور خود دفاع کنند. دشمنان می‌خواهند بین شیعیان و اهل تسنن تفرقه افکنی کنند تا با این افتراق بر آنها حاکم شوند اما مسلمانان هم باید با بصیرت رفتار نمایند و اگر بین آنها خصومتی است آن را به محبت تبدیل کنند، دشمنان مسلمین با به وجود آوردن فضای نا امن در کشور می‌خواهند امنیت را از بین ببرند در حالی که مسلمانان باید برای امنیت و آرامش در کشور خود تلاش کنند. بر مسلمانان واجب است تا در صف وحدت حضور داشته باشند و از هر گونه افتراق پرهیزند و این شیوه تنها راه پیروزی مسلمانان است.^۲

۱ . <http://abttakk.tv/eng/sunni-ittehad-council-mwms-qaumi-aman-convention-in-islamabad/>.

۲. مصاحبه با ناصر عباس جعفری از اعضای حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان، تهران، اردیبهشت ۱۳۹۳.

عریستان سعودی در زمین استکبار جهانی بازی می‌کند و بهتر است در خصوص کشتار شیعیان موضع روشن اتخاذ کند و دولتمردان ریاض اگر می‌خواهند مسلمانان از آنها حمایت کنند باید سعی در بهبود وضعیت امت اسلام داشته باشند و الا زهر نیز باید عقلانیت لازم را در این زمینه به کار گیرد و با حمایت از شیعیان از بروز تفرقه در میان مسلمانان جلوگیری کند. رسانه‌ها باید با روشنگری و آگاهی اخبار صحیح را به جهانیان مخابره کنند. رسانه‌ها موظفند شرح این وقایع را به سرعت به گوش مردم جهان برسانند تا مظلومیت مسلمانان بر همگان اثبات شود و همچنین توطئه‌های خبری رسانه‌های خود باخته را نیز افشا کنند. نهادهای بین‌المللی باید به مشکلات مظلومان رسیدگی کنند و نباید در این خصوص به صدور بیانه اکتفا کنند. گروه‌های افراط‌گرا باید از جانب نهادهای بین‌المللی تحریم شود و حامیان تروریسم نیز باید در دادگاه‌های بین‌المللی پاسخگو باشند.^۱

۲- رویکردها و دیدگاه‌های سیاسی حزب وحدت مسلمین پاکستان

۱-۷ - کشتار شیعیان پاکستان^۲

اگر به بیانیه‌ها و اعلامیه‌های حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان توجه کنیم، این حزب به صورت مشخص از کشتار شیعیان شکایت می‌کند. حزب مجلس وحدت مسلمین و دیگر سازمان‌های شیعیان نظیر سازمان دانشجویان امامیه پاکستان در اقدامی مشترک و در اعتراض به بی‌توجهی دولت به ترورهای هدفمند علیه شیعیان، تظاهرات می‌کنند. پس از هر حادثه تروریستی، حزب مجلس وحدت مسلمین MWM، گروه تحریک نفاذ فقه جعفریه، شورای حفاظت از عزاداری، حزب تحریک اسلامی و سایر

۱ . <http://www.shafaqna.com/persian/dialogue/item/۳۶۲۱۰۰.html>.

۲. تکفیری‌های داعش با توزیع کتابچه‌هایی از مردم پاکستان خواسته‌اند به این گروه تروریستی بپیوندند. این موضوع بیم و نگرانی بسیاری از مردم پاکستان را برانگیخته است. این در حالیست که دولت نواز شریف تهدیدهای امنیتی جدید را حتی بعد از انتشار یافتن پیام‌های داعش در پیشاور کم اهمیت جلوه می‌دهد. به غیر از افراد عادی و حرفه‌ای، دست کم ده دکتر شیعه از ماه ژانویه ۲۰۱۴ میلادی به ضرب گلوله جان باخته‌اند.

اعضای ارشد و هواداران گروه‌های شیعی در سراسر پاکستان از دولت و مجریان قانون می‌خواهند با عوامل این نوع حوادث تروریستی برخورد جدی صورت بگیرد و همچنین فضایی امن برای سفر زائران ایجاد و از تکرار حوادث مشابه جلوگیری شود؛ امری که کمتر مورد توجه دولتمردان پاکستانی قرار گرفته است. مسلمانان شیعه در مقابل کشتار هدفمند شیعیان با تظاهرات سراسری، خشم و اعتراض خود را نسبت به رویکرد دولت نواز شریف، نخست وزیر پاکستان، ابراز می‌کنند. معترضان می‌گویند دولت نواز شریف در برقراری نظم و قانون در این کشور ناموفق عمل کرده است.^۱

اعضای ارشد و هواداران حزب مجلس وحدت مسلمین در شهر اسلام‌آباد همواره در اعتراض به تشدید قتل‌های هدفمند به ویژه کشتار شیعیان در نقاط مختلف پاکستان راهپیمایی می‌کنند. آنان بر این باورند که دولت، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در پاکستان، باید برای حفاظت از شهروندان این کشور به ویژه شیعیان و توقف حملات تروریستی اقدامات فوری انجام داده و علیه گروه‌های افراطی و فرقه‌گرا عملیات انجام دهند. دولت اسلام‌آباد باید عناصر حمله‌کننده به شیعیان در شهرهای کراچی، لاهور، کوئته، دیره اسماعیل خان و دیگر نقاط پاکستان را بازداشت و به سزای اعمالشان برسانند. این حزب با برگزاری راهپیمایی اعتراض‌آمیز (اخیراً شهرهای پاکستان از جمله لاهور، اسکردو، گلگیت، راولپندی، مندی بهاو الدین، فیصل‌آباد، جهنگ، بکهر و مناطقی از ایالت سند در جنوب این کشور شاهد راهپیمایی علیه کشتار شیعیان بود. شهرهای مختلف پاکستان در روزها و ماه‌های اخیر شاهد افزایش حملات فرقه‌ای و هدفمند تروریست‌ها بوده است)، حملات گروه‌های تروریستی به شیعیان به ویژه ترور شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی شیعی را بشدت محکوم کرده و عناصر آمریکایی و رژیم صهیونیستی را در پشت پرده این جنایت‌ها مقصر می‌دانند.^۲ از دید حزب مجلس وحدت مسلمین، اگر مقام‌های ارشد و مسوولان نهادهای امنیتی و مجری قانون نتوانند برای بازداشت و مجازات عناصر حمله

کننده به شیعیان پاکستانی موفق عمل کند، صلح در شهرهای این کشور و آرامش و امنیت جهت زندگی شیعیان در پاکستان با خطر روبرو می‌شود.

۲-۷- مخالفت حزب وحدت مسلمین در خصوص مذاکرات دولت با طالبان

شیعیان پاکستان معتقدند گروه‌های وابسته به طالبان با انجام حملات انتحاری و خشونت‌آمیز، نشان داده‌اند که نه تنها به دنبال ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات میان مسلمانان شیعه و سنی هستند، بلکه توسط سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی غربی‌ها و عربستان سعودی مورد حمایت قرار می‌گیرند و نباید با چنین گروه‌هایی مدارا کرد و با آنان به مذاکره برخاست؛ امری که در دولت نواز شریف مورد توجه قرار گرفت. حزب وحدت مسلمین با برپایی تظاهراتی در شهرهای مختلف از جمله لاهور و کراچی، انجام مذاکرات صلح بین دولت و گروه «تحریک طالبان» را به شدت محکوم می‌کنند. به زعم آنها مذاکرات صلح دولت پاکستان با طالبان منجر به شکست خواهد شد و این مذاکرات تنها زمان بیشتری در اختیار طالبان قرار خواهد داد تا به حملات خود بر ضد شیعیان در سراسر این کشور ادامه دهند.^۱

علی حسین یکی از اعضای سازمان شیعیان پاکستان تاکید کرد، دولت نواز شریف نخست وزیر پاکستان به شبه نظامیان طالبان فرصت دیگری داده است تا شهروندان بی گناه را به خاک و خون بکشند. وی از دولت پاکستان خواست تا از همه ابزارها و امکانات بر ضد شبه نظامیان مسلح استفاده کرده و آنها را از این کشور ریشه کن کند.^۲ در همین راستا شیعیان پاکستان خواستار اتخاذ تصمیم قاطع دولت اسلام آباد در قبال مقابله با گروه‌های شبه نظامی هستند. شیعیان همچنین دولت پاکستان را به ناکامی در تامین امنیت شیعیان متهم می‌کنند. شیعیان همچنین خواستار تشکیل کمیسیون قضایی ویژه برای تحقیق در خصوص خونریزی‌های این کشور هستند.^۳

۱. شیعه نیوز (SHIA-NEWS.COM)، ۹۲/۱۱/۱۹

۲. خبرگزاری اینا، ۱۹ بهمن ۹۲

۳. شیعه نیوز (SHIA-NEWS.COM)، ۹۲/۱۱/۱۸

۳-۷- رویکرد حزب مجلس وحدت مسلمین به ارتش و دولت پاکستان

از آنجایی که حزب مجلس وحدت مسلمین مخالف جریان‌های افراطی - تکفیری در پاکستان و منطقه می‌باشد، همواره سعی کرده از مواضع ارتش به ویژه در خصوص مبارزه با طالبان پاکستان حمایت کند. در همین راستا علامه راجا ناصر رهبر این حزب در ادامه اعتراضات به کشتار شیعیان در شهر کوئته در دی ماه ۱۳۹۱ از دولت خواست تا تامین امنیت این شهر را به ارتش واگذار کند. افراط‌گرایان تکفیری بیشترین کشتار شیعه را در شهر کوئته و کراچی انجام داده‌اند و این در حالی است که دولت ایالتی هیچ واکنشی از خود نشان نداده است. به عبارت دیگر هم در دولت آصف علی زرداری و هم در دولت نواز شریف اقدامی خاصی علیه تروریست‌های افراطی صورت نگرفته و همین امر موجب شده تا این حزب راهکار مد نظر خود را در برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز دنبال کند.

به طور کلی حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان نسبت به مذاکره دولت با طالبان مخالف بوده و آن را محکوم کرده است و از سوی دیگر نسبت به رویکرد ارتش (عملیات ضرب عضب) و مبارزه با طالبان خوش‌بین است. بنابر اعلام این حزب «نه تنها از عملیات ارتش در وزیرستان شمالی حمایت می‌کنیم بلکه خواهان افزایش دامنه این عملیات در سراسر کشور هستیم». علامه امین شهیدی از اعضای برجسته این حزب معتقد است: «هنگامی که احزاب پاکستانی با تشکیل کمیسیون به دنبال صلح با طالبان بودند، حزب مجلس وحدت مسلمین به صراحت اعلام کرد که مذاکره با شبه نظامیان بی‌فایده است و تروریست‌ها باید تا آخرین نفر توسط ارتش نابود شوند»^۱.

در واقع مجلس وحدت مسلمین بیش از هر حزب دیگر بر این باور تاکید می‌کند که مذاکره با شبه نظامیان که قوانین پاکستان را نمی‌پذیرند غیرقابل تصور است زیرا هیچ قانونی در دنیا مذاکره با تروریست‌هایی که به جنایات خود اعتراف می‌کنند را تایید نمی‌کند. این موضوع تا آنجایی اهمیت داشت که اختلافات رویکردی دولت و ارتش پاکستان در زمینه مذاکره با طالبان را آشکار ساخت. دولت پاکستان در دوره نواز

به شدت به دنبال مذاکره با طالبان بوده اما کشته شدن حکیم‌الله محسود رئیس مذاکره‌کنندگان طالبان توسط پهپادهای امریکایی به برهم خوردن این مذاکرات و تشدید حملات تروریستی طالبان منجر شد و به نوعی ارتش سعی کرد با به راه انداختن عملیات ضرب‌عضب هم دولت نواز را مجبور به حمایت از مواضعش کرده و هم به نوعی اولتیماتومی به دولت پاکستان بدهد که نسبت به موضعی که ارتش اتخاذ می‌کند، مخالفت نکند. در چنین وضعیتی بود که حزب مجلس وحدت مسلمین به رویکرد ارتش متمایل شد و نسبت به دیدگاه‌های دولت نواز معترض و منتقد است. حتی به گفته علامه شهیدی، نواز شریف حکومت فامیلی را ظرف ده سال اقامت خود در عربستان از آل سعود فراگرفته است!

۴-۷- رویکرد حزب مجلس وحدت مسلمین به جامعه سنی و بریلوی‌ها (به ویژه جریان طاهر القادری)

مهم‌ترین رویکرد حزب مجلس وحدت مسلمین به مسلمانان سنی پاکستان، همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد وحدت در پاکستان است. هم‌چنان که از بدو تشکیل حکومت پاکستان تلاش برای استقرار هر چه بیشتر اصول اسلامی علت وجودی تاسیس این کشور بوده است. در این میان دین اسلام تنها عامل وحدت گروه‌های مختلف قومی و زبانی این کشور می‌باشد. قانون اساسی پاکستان مبتنی بر اصول و ضوابط اسلامی بوده و شیعیان و اهل تسنن بر اساس قانون احوال شخصیه، آموزه‌های مذهبی خود را اعمال می‌کنند. البته با مطرح شدن فقه حنفیه، فقه جعفری نیز توسط شیعیان مطرح گردید و تقریباً با روی کار آمدن ضیاء الحق طی این سال‌ها درگیری‌های فرقه‌ای و خشونت‌گرایانه افزایش یافت. حمایت کشورهای خارجی از فرقه‌گرایی و دامن زدن به اختلافات قومی موجب شده است تا چنین تبلیغ شود که پاکستان مهد فرقه‌گرایی و لانه تروریسم است و این در حالی است که هدف آنان تخریب چهره

واقعی اسلام است^۱. البته در این بین حزب وحدت مسلمین پاکستان در تلاش است تا با ترویج شعار وحدت میان مسلمانان به سایر احزاب سیاسی و مذهبی نظیر تحریک عوامی، تحریک انصاف عمران خان، مجلس متحده عمل و ... نزدیک شده و همگرایی مذهبی را گسترش و تروریسم و جریان‌های افراطی را محکوم کند.

حجت الاسلام شفقت شیرازی مدیر بین‌الملل مجلس وحدت مسلمین پاکستان در خصوص جریان طاهر القادری چنین عنوان می‌کند: « نهضت اصلاح‌گرایانه طاهر القادری موجب رشد و بالندگی کشور است و مبارزات طاهر القادری رئیس منهج القرآن در راستای بیداری روحانیت شیعه است.» وی طاهر القادری را فردی معتدل، مخالف وهابیت و گروه‌های تکفیری دانسته و معتقد است: « طاهر القادری همانند پدرش اتحاد اسلامی را باعث عزت و جنگ مذهبی را موجب ذلت مسلمانان می‌داند»^۲. با توجه به چنین رویکردی اعضای مجلس وحدت مسلمین از ابتدای بازگشت طاهر القادری به پاکستان در دو مقطع ۱۳۹۱ و اوایل ۱۳۹۳ در راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز همراه وی بودند. چرا که معتقدند جریان طاهر القادری با اندیشه‌های گروه تروریستی وهابی و دیگر گروه‌های سلفی - تکفیری مخالفند و به نوعی نهضت طاهر القادری را در راستای نهضت‌های شیعی ارزیابی می‌کنند. در واقع جهت‌گیری مخالفت جریان طاهر القادری با سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری و مخالفت‌های علنی وی با سیاست‌های عربستان سعودی در پاکستان برای جامعه شیعیان پاکستان بسیار مهم و سودمند است. هر چند حزب مجلس وحدت مسلمین اعتراف می‌کند که به صورت دقیق از حوادث پشت پرده و نقشه‌های بازیگران غربی برای سوء استفاده از طاهر القادری و نهضت وی اطلاعی ندارند اما مواضع و عملکرد طاهر القادری به نوعی در راستای اهداف اسلام و مسلمین و علیه ظالمان می‌باشد^۳.

۱. مهدی ترحیمی، تروریسم در پاکستان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۸:ص ۱۰۹.

۲. خبرگزاری رسا، ۹۱/۱۱/۷.

۳. اسماعیل باقری، دست نامرئی ارتش در اعتراضات پاکستان، جوان آنلاین، ۹۳/۶/۲.

البته باید اشاره کرد که طاهر القادری با چراغ سبز ارتش پاکستان و در راستای فشار به دولت نواز وارد پاکستان شد و اختلاف بین ارتش و دولت پاکستان باعث تحرک بیشتر جناح مخالف علیه دولت نواز شده است. در این میان برخی از احزاب سیاسی از جمله جریان طاهر القادری و حزب وحدت مسلمین پاکستان برای اعمال فشار به دولت و استعفای نواز شریف تظاهرات اعتراض آمیز بر پا کردند.^۱

همچنین این حزب از فراخوان تظاهرات ضد دولتی حزب تحریک انصاف به رهبری عمران خان در روز استقلال پاکستان اعلام حمایت کرد و نایب رئیس حزب تحریک انصاف (شاه محمود قریشی) در نشست خبری عنوان کرد که ما با حزب وحدت مسلمین همفکر هستیم و نسبت به برگزاری تظاهرات ضد دولتی در ۱۴ آگوست (۲۳ مرداد ماه) روز استقلال پاکستان هماهنگ عمل می کنیم.

به طور کلی حزب مجلس وحدت مسلمین با مسلمانان سنی و به ویژه بریلوی ها ارتباطات مطلوبی دارد و با برخی از احزاب نظیر تحریک عوامی به رهبری طاهر القادری، حزب تحریک انصاف به رهبری عمران خان، مسلم لیگ شاخه قائد اعظم به رهبری چوهدری شجاعت حسین، شورای اتحاد سنی و ... مناسبات خوبی دارد. البته حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان در گذشته از برخی از سیاست های حزب مردم نیز حمایت کرده است.

از دید این حزب می توان از طریق تعاملات مناسب زمینه های اتحاد اهل سنت با شیعیان را فراهم کرد و جلوی افراط گرایان و حملات آنها به حسینیه ها، مساجد، اماکن مقدس و مراسم عزاداری را گرفت. به گفته علامه راجا ناصر با هشپاری علامه شیعه و اهل سنت دسیسه دشمنان که از دوره زمامداری ژنرال ضیاء الحق طراحی شده به نتیجه نرسیده و شیعه و سنی باید اتحاد خود را حفظ کنند.^۲

۱. اسماعیل باقری، مروری بر بحران سیاسی پاکستان، پایگاه تحلیلی خبر بصیرت، ۱۶ شهریور ۹۳.

۲. خبرگزاری تسنیم، ۲۰ مرداد ۹۳.

نتیجه گیری

هرچند شیعیان در شکل گیری کشور پاکستان نقش زیادی داشته اند و فعالیت آنان طی دهه های اخیر به ویژه سه دهه گذشته، افزایش یافته است، اما با این حال با مشکلات عدیده سیاسی، مذهبی و امنیتی و اقتصادی روبرو هستند و همین امر به نوعی هویت نهادینه شده آنان در ساختار اجتماعی پاکستان را دچار تزلزل می کند. بدیهی است جمعیت ۲۰ الی ۲۵ درصدی شیعه پاکستان را به عنوان یک واقعیت نمی توان انکار و یا از طریق ترور و اعمال خشونت و نادیده گرفتن حقوق شان، از صحنه سیاسی و اجتماعی پاکستان حذف کرد. از سوی دیگر با توجه به وجود شکاف های متعدد مذهبی، قومی، انتقادی و نیز وجود زمینه های لازم برای بروز تنش های سیاسی و اجتماعی در پاکستان، باید همه گروه های مذهبی از جمله شیعیان، در پی یافتن راهی برای شکل دهی به یک زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر باشند.

در این میان حزب وحدت مسلمین پاکستان مهمترین راهبرد و هدف خود را بر اتحاد مسلمانان، مبارزه با فرقه گرایی و دوری از تفرقه بین شیعه و سنی قرار داده است. از این رو، این حزب سعی می کند تا با ائتلاف و ایجاد پیوند و نزدیکی گروه های شیعی با گروه های سنی مذهب میانه رو و معتدل، گام مؤثری در همزیستی مسالمت آمیز بردارد. در این راستا محکوم کردن کشتار شیعیان، مخالفت با مذاکره دولت نواز با طالبان پاکستان، جانبداری از جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با امریکا و رژیم صهیونیستی و محکوم کردن تکفیر علیه مذاهب رسمی اسلام از مواضع مهم حزب وحدت مسلمین پاکستان بود.

واقعیت آن است که همگرایی و وفاق شیعیان در چنین جامعه پر آشوب، امری بسیار مهم تلقی می شود و حفظ دستاوردهای شیعیان طی دهه های گذشته، به افزایش همبستگی آنان بویژه رهبران آنان مربوط می باشد. همچنین دولت نواز شریف نیز باید ضمن رعایت حقوق همه شهروندان، از جمله شیعیان شرایط لازم را برای جلوگیری از گسترش خشونت های داخلی بویژه علیه شیعیان فراهم آورد. انجام چنین کاری موجب کاهش ناامنی ها، خشونت و افراط گرایی خواهد شد. اما شواهدی وجود دارد که دولت پاکستان، نسبت به برخورد قاطع با تروریستان و افراط گرایان خشونت طلب،

سهل‌انگاری می‌کند و به نوعی دولت نوازشریف در برقراری نظم و قانون در این کشور ناموفق عمل کرده است. دولت اسلام آباد باید افراطیون و عناصر حمله‌کننده به شیعیان را بازداشت کند و اجازه ندهد زمینه تفرقه بین مسلمانان شیعه و سنی افزایش یافته و موجب تداوم ناامنی در کشور شوند. به هر حال این یک واقعیت است که از دید حزب مجلس وحدت مسلمین، مقام‌های ارشد و مسوولان نهادهای امنیتی و مجری قانون نتوانسته‌اند در بازداشت و مجازات عناصر حمله‌کننده به شیعیان پاکستانی موفق عمل کنند و این به ضرر کشور و آرامش و امنیت زندگی شیعیان در پاکستان می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. نقیب‌زاده، احمد، «عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۳۶۸.
۲. Apter, David. Politics of Modernization. University of Chicago press, ۱۹۶۵
۳. گی روشه، «تغییرات اجتماعی»، منصور وثوقی، نشر نی، تهران، چاپ بیست و دوم ۱۳۹۰.
۴. جهانگیر محمودی نژادیان، «رژیم احزاب سیاسی یا دموکراسی مستقیم در نظام ولایت فقیه»، قم، انتشارات گلستانه، تابستان ۶۹.
۵. عالم، عبدالرحمن، «بنیادهای علم سیاست»، تهران، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۷۳.
۶. Foresti and Wild (۲۰۱۰). Support to political parties: a missing piece of the governance puzzle. London: Overseas Development Institute .
۷. دوورژه، موریس، «احزاب سیاسی»، رضا علمی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۸. خسرو پناه، عبدالحسین، «فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)»، ناشر تعلیم و تربیت اسلامی، قم، چاپ اول ۱۳۹۲.
۹. بینش، محمدوحید، «افغانستان معاصر و چالش سامان سیاسی»، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی افغانستان، محل نش کابل، ۱۳۸۸.
۱۰. گیدنز، آنتونی؛ «جامعه‌شناسی»، منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۷، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷.
۱۱. دیوید مارش و جری استوکر، «روش و نظریه در علوم سیاسی»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۲. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، «پاکستان»، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹.
۱۳. محمد اکرام عارفی، «شیعیان پاکستان»، قم، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۱، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۵.
۱۴. محمد اکرام عارفی، «شیعیان پاکستان»، نشر شیعه‌شناسی، قم، چاپ اول ۱۳۸۵.
۱۵. محمود واعظی، «تحولات سیاسی پاکستان: تقسیم قدرت با غیر نظامیان»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، آذر ۱۳۸۶.
- ۱۶- حجت‌الله، ایوبی، "شکاف‌های قومی و خشونت"، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، ۱۳۷۷.
- ۱۷- داوود، کریمی پور، "تعمیق چالش‌های آمریکا در محیط امنیتی پاکستان"، ۱۳۹۲.
- <http://www.usrin.com/?q=node/۱۱۱۶>
- ۱۸- Tahir, Andribi R & Das, Jishu "Religious School Enrollment in Pakistan", Comparative Education Review, NO.۳,۲۰۰۶.p.۴
۱۹. نوذر شفیعی و دیگران، در کتاب وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان پاکستان، ۱۳۸۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول ۱۳۹۰.
۲۰. علی آقا بخشی، فرهنگ لوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
۲۱. جام جم (۱۳۸۶)، «نقش عربستان و کشورهای عربی در رشد افراط‌گرایی در پاکستان»، شناسه

- خبر ۶۲۴۷۷، ۱۰۰۰۰۴۰۶۲۴۷۷، ۳۱ مرداد.
۲۲. کتاب آسیا ۵ ویژه مسائل پاکستان، انتشارات ابرار معاصر، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۹.
۲۳. طیبه واعظی، «مناسبات راهبردی ایران و پاکستان»، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۰.
۲۴. <http://www.shabestan.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=.&Id۵۹...>
۲۵. <http://www.bou.ac.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=۱afef۴۰-fbec-۴۳۱e-a۹c۷-۱fbcffaff۳۹۳&WebPartID>
۲۶. <http://www.shiitenews.com/index.php/pakistan/۱۲۴۰-majlis-e-wahdat-holds-first-party-convention>.
- ۲۷ - Syed Jafar Aksari. MWM declares ۳-point agenda for seat adjustment. The Nation. March ۳۱، ۲۰۱۳.
- ۲۸ - <http://ecp.gov.pk/ERConsolidated۲۰۱۳/AllResultsFull۲۰۱۳.aspx?assem>.
۲۹. <http://insaf.pk/news/national-news/item/۱۷۶۱۳-PTI%۲۰and%۲۰Majlis-e-Wahdat-ul-Muslimeen%۲۰decide%۲۰to%۲۰jointly%۲۰promote%۲۰unity%۲۰peace%۲۰and%۲۰harmony>.
- ۳۰ - <http://www.abna.ir/data.asp?lang=۳&id=۵۰۲۸۲۳>.
- ۳۱ - <http://abttakk.tv/eng/sunni-ittehad-council-mwms-qaumi-aman-convention-in-islamabad/>.
۳۲. <http://www.shafaqna.com/persian/dialogue/item/۳۶۲۱۰-.html>.
۳۳. پرس تی وی، ۲۳ شهریور ۱۳۹۳
۳۴. خبرگزاری ابنا، ۳/۳/۹۳
۳۵. شیعه نیوز (SHIA-NEWS.COM)، ۹۲/۱۱/۱۹
۳۶. روزنامه اطلاعات، ۹۳/۳/۱
۳۷. مهدی ترحیمی، تروریسم در پاکستان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۳۸. خبرگزاری رسا، ۹۱/۱۱/۷
۳۹. اسماعیل باقری، دست نامرئی ارتش در اعتراضات پاکستان، جوان آنلاین، ۹۳/۶/۲
۴۰. اسماعیل باقری، مروری بر بحران سیاسی پاکستان، پایگاه تحلیلی خبر بصیرت، ۱۶ شهریور ۹۳
۴۱. خبرگزاری، تسنیم، ۲۰ مرداد ۹۳
۴۲. مصاحبه با راشد عباس نقوی، از کارشناسان سیاسی پاکستان، ۵ شهریور ۱۳۹۳، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

۳۷. خبرگزاری ابنا، ۱۹ بهمن ۹۲

۳۷. خبرگزاری فارس، ۹۳/۴/۲۲.

۳۸. نوذر شفیعی، «ساختار فرقه‌ای در پاکستان»، بی‌تا، (drshafiee.blogfa.com/post-194.aspx)

۳۹. مصاحبه با ماشاءالله شاکری سفیر پیشین ایران در پاکستان، در موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۳/۸/۲۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی